

در مسیّر ظہور

# توقف مستوع

مکرم

نویسنده  
حسن  
محمودی



در مسير ظهور

# توقف ممنوع

حسن محمودی

# توقف ممنوع

نویسنده: حسن محمودی

ناشر: انتشارات کتاب جمکران

طراح جلد: علی آقا حسین پور

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: سوم زمستان ۱۴۰۱، خانه چاپ جمکران

مدیریت بازرگانی: ۰۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹

بازرگانی کتاب: ۰۹۱۹۲۵۵۲۰۳۰



سرشناسه: محمودی، حسن، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور: توقف ممنوع؛ برای ظهور قدمی برداریم / حسن محمودی.

مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.، ۱۳/۵×۲۱/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۲-۷۲۸-۶

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت

موضوع: Occultation -- Muhammad ibn Hasan, Imam XII

موضوع: مهدویت

Mahdism

مهدویت -- انتظار

Mahdism -- \*Waiting

مهدویت -- انتظار -- احادیث

Mahdism -- \*Waiting -- Hadiths

رده بندی کنگره: BP۲۲۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۲۲۲۶۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: قیبا

ketabejamkaran.ir  
jamkaran.ir

ketabejamkaran

ketabejamkaran



دفتر مرکزی پژوهش و نشر: قم، انتشارات کتاب جمکران  
تلفن: ۰۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹  
پست: ۳۷۱۵۲۰۰۰۰۰۰



## فهرست

غیبت خیلی طولانی شده است		۷
ناگهانی بودن ظهور		۹
زیبایی های ظهور		۱۳
شرایط ظهور		۱۷
۱. برنامه و طرح کامل		۱۷
۲. رهبری مقتدر		۱۸
۳. یاران جان برکف و مجریان توانمند		۱۹
۴. بالا رفتن سطح رشد و فهم و آمادگی عمومی		۲۰
زمینه سازی با یاری امام		۲۱
اهمیت و ضرورت یاری امام در قرآن		۲۲
اهمیت و ضرورت یاری امام در روایات		۲۷
خاطره ای زیبا		۴۰
شروط یاری		۴۰
۱. «متأ» شدن		۴۱
۲. ایمان		۴۶
راه تقویت ایمان		۴۸
۳. صداقت		۵۳
۴. شناخت امام		۵۴
۵. ورع و تقوا		۵۷
۶. دین یار شدن		۵۸
۷. عاشورایی شدن		۶۵

۸. تسلیم امام بودن		۶۹
۹. انس با امام		۷۴
آثار یاری امام عصر <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>		۷۵
۱. نصرت خداوند		۷۵
۲. ثبات قدم		۷۶
۳. در امان ماندن از حسرت روز قیامت		۷۷
۴. رسیدن به فلاح		۸۰
۵. توجه خاص حضرت بقیة الله <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>		۸۰
شیوه‌های یاری امام عصر <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>		۸۱
۱. فراهم کردن زمینه برای آشنایی دیگران با حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>		۸۱
۲. ترویج نام و یاد امام		۸۷
۳. تشکیل کارگروه مهدوی		۹۰
۴. تحصیل علوم ناب برای ترویج مهدویت		۹۲
۵. صرف هزینه برای امور مهدوی		۹۵
۶. دعا و استغاثه جمعی		۹۹
۷. دعوت از دیگران		۱۰۱
۸. تجلیل از امام در جامعه		۱۰۳
۹. یاری شیعیان		۱۰۴
۱۰. تلاش برای ایجاد شبکه مهدویت در صدا و سیما		۱۰۷
۱۱. حمایت از اقشار ضعیف		۱۰۸
۱۲. ازدواج و فرزندآوری به نیت...		۱۰۹
نکته آخر		۱۱۱

## غیبت خیلی طولانی شده است

الان که در سال ۱۴۴۳ هستیم تقریباً ۱۱۸۳ سال از غیبت آقای که خداوند وعده قطعی آمدنش را داده است، می‌گذرد.

این سال‌ها طولانی‌تر خواهد شد اگر من و شما همین‌طور که نشسته‌ایم، بنشینیم و فقط با زبان بگوییم «خدا کند که بیایی».

از خود سؤال کنیم: مگر ما چه نسلی هستیم، چه کرده‌ایم و چه تاجی بر سر داریم که امام، برای ما بیاید؟ اگر می‌خواست بیاید، چرا برای نسل‌های قبلی نیامد؟ آیا نباید تفاوتی اساسی با نسل‌های قبلی در خود ایجاد کنیم تا او بیاید؟

مهدی آمدنی است، اگر ما حرکت کنیم و زمینه‌ساز آمدنش شویم؛ حرکتی جهادی با تمام قوا و فقط برای رضای خدا.

در سال ۱۳۵۷، سیدی بزرگوار قیام کرد و عطر روح‌افزای تشیع را در قسمتی از عالم به مشام جان‌های تشنه رساند، اما همین انقلاب که در مقایسه با انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطره‌ای است در مقابل دریا، بدون زمینه‌سازی و حرکت‌های جهادی، به

پیروزی نرسید. مردم و به‌ویژه جوانان، شب و روز نداشتند. سر از پا نمی‌شناختند، دنبال نان و نام نبودند، فقط حرکت در راستای آمدن رهبر و به‌سرانجام رسیدن قیام را مدنظر داشتند. چه خون‌ها که ریخته شد و چه صداها که به شکنجه بلند، اما ملت متحد شدند و در اطاعت بی‌چون و چرا از رهبرشان ایستادگی نمودند. خداوند هم پیروزی را نصیب آن‌ها کرد.

انتظار، حرکت است و عمل، نه سکون و چشم انداختن. منتظر، مجاهد است و مجاهد از خوشی و راحتی دست کشیده، تمام عمر خویش را در جهاد به‌سر می‌برد؛ و چه لذتی می‌برد از این تلاش. علت تأخیر در آمدن حضرت یار همین است که خود را منتظر می‌دانیم به اینکه به جمکران برویم و غروب جمعه‌ها دعایی بخوانیم، اما جهادی در کارهایمان دیده نمی‌شود. از مرگ می‌ترسیم و شهادت را برای دیگران خوش داریم. با آیین‌نامه و بخش‌نامه نمی‌شود به سمت ظهور رفت و زمینه‌ساز ظهور شد و با دعایی که لقلقه زبان‌ها شده، امر فرج را نمی‌توان هموار ساخت؛ کوفیان نیز نامه نوشتند و حسین علیه السلام را دعوت کردند، اما چه اتفاقی افتاد؟

آری، ۱۱۸۰ سال و اندی از غیبت می‌گذرد. غیبت کسی که تشنه ظهور و مشتاق عدالت و غصه‌دار فقر و بیچارگی و قتل و کشتار و ظلم‌ها در عالم است. او که در انتظار آماده شدن یارانش و زمینه‌سازان ظهور، شب را به روز و روز را به شب می‌رساند.

با نان به نرخ روز خوردن و دنیا را منتهای آرزوی خود قرار دادن، راه به جایی نخواهیم برد و زمینه را فراهم نخواهیم ساخت.

نسلی که متمایز از نسل‌های دیگر می‌شود و ظهور در آن دوره محقق می‌گردد، نسلی جهادگر است که با تلاش شبانه‌روزی، مقدمات ظهور را رقم می‌زند و زمینه‌ساز این امر بزرگ می‌شود که آرزوی همه انبیا و اولیا بوده است. باید به سوی ظهور حرکت کنیم. ظهور، وعده‌ای است الهی که در کتب آسمانی مطرح شده است. در قرآن کریم این وعده، بسیار پررنگ است و عاقبت زمین را در دستان انسان‌های صالح، پیش‌بینی نموده است. نباید ظهور را واقعه‌ای دور از دسترس بدانیم، بلکه باید همواره خود را در چند قدمی آن ببینیم و امیدوار باشیم در زمان حیات ما، تحقق این وعده خدا عملی شود.

### ناگهانی بودن ظهور

آنچه از تفکر صحیح اسلامی و متون اصلی دین به دست می‌آید، این است که ظهور، ناگهانی و یک‌دفعه اتفاق می‌افتد؛ در لحظه‌ای که کسی انتظارش را ندارد.

زراره می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً» سؤال کردم، فرمود: «منظور از آن، قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ناگهان فرامی‌رسد».<sup>۱</sup>

در روایت معتبری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۷۱.

۲. کمال الدین، باب ۶، ح ۴.



درباره شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یوسف نبی علیه السلام آمده است خداوند همان طور که کار یوسف علیه السلام را یک شبه اصلاح کرد، امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز یک شبه اصلاح می نماید.<sup>۱</sup>  
همچنین در روایت دیگری آمده است:

حضرت موسی علیه السلام رفت تا برای خانواده اش شعله آتشی بیاورد، اما نزد آن ها برگشت در حالی که رسول و پیامبر بود. خدای تعالی کار بنده و پیامبرش موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود و با امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چنین کند. در یک شب کارش را اصلاح فرماید، همچنان که کار پیامبرش موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود و او را از حیرت و غیبت به روشنایی فرج و ظهور در آورد.<sup>۲</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مثل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون قیامت است و خداوند است که امر او آشکار می کند. حادثه ظهور او واقع نمی شود، مگر به صورت ناگهانی».<sup>۳</sup>

در سخنان عالمان دین نیز که برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام است، به نزدیکی ظهور اشاره شده است.

آیت الله محمد جواد انصاری همدانی، این عارف بی بدیل فرمودند:

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۰، ح ۳.

۲. کمال الدین، باب ۶، ح ۲.

۳. کفایة الاثر، ص ۲۵۰.

«ظهور نزدیک است، ولی اگر دعا کنید نزدیک تر می شود؛ چون دعا خیلی مؤثر است»<sup>۱</sup>.

آیت الله صافی گلپایگانی فرمودند: «ان شاء الله ظهور نزدیک است. علایم ظهور در حال آشکار شدن است. اوضاع و احوال جهان به گونه ای است که می شود گفت عالم به سمت واقعه ظهور پیش می رود»<sup>۲</sup>.

آیت الله ناصری در جمع جوانان اصفهان فرمودند:

برادران، این زمانی که ما در آن قرار گرفته ایم، زمان بسیار مشکلی است. مشکلات زیادی هست و روز به روز هم این مشکلات اضافه می شود. چرا؟ به واسطه ای که من مکرر از بزرگان شنیده ام: فرج حضرت بقیة الله روحی له الفداء خیلی نزدیک است و هر مقداری که انسان به فرج نزدیک تر شود، مشکلات زیادتر می شود تا بیرونی ها بیرون بروند...

عزیزان من، خدا می داند که ظهور نزدیک است. الان خیلی از اشخاص از غربال درمی روند و می افتند پایین و فسادشان ظاهر می شود و از خط ولایتی ها خارج می شوند. حواستان جمع باشد که مبادا از غربال خارج شوید!<sup>۳</sup>

۱. پنندهای آسمانی، ص ۵۱.

۲. «مصاحبه با آیت الله صافی گلپایگانی»، مجله موعود.

۳. سخنرانی آیت الله ناصری، ۱۵ مرداد ۱۳۸۱.

آنچه از آیات و روایات و کلمات بزرگان به دست می‌آید، این است که اولاً ظهور یک دفعه اتفاق می‌افتد و خداوند قادر است امر ولی‌اش را یک شبه اصلاح کند. ثانیاً ما نمی‌توانیم یک شبه خودمان را مهیا و آماده پذیرش ظهور نماییم.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «امر ما ناگهانی است و وقتی آمد، دیگر توبه فایده‌ای نخواهد داشت»!

بی‌تردید آنچه مانع پذیرش امر فرج می‌شود، قلبی است که به واسطه گناهان، واژگون شده است و شایستگی پذیرش این امر نورانی را ندارد.

این قدم اول است که بدانیم ظهور نزدیک است و ناگهانی اتفاق می‌افتد و اینکه ما اگر قبل از ظهور آماده نباشیم، ضرر می‌کنیم و از خیل عظیم یاران حضرت جامی مانیم، خسرالدنیاوالآخرة می‌شویم. اما قدم دوم بحث در زمینه‌سازی ظهور است.

ظهور، پدیده‌ای اجتماعی است و ویژگی این پدیده‌ها، خواست مردم است. تا مردم اجتماعی نخواهند، اتفاقی نمی‌افتد و حرکتی به این بزرگی که ناب‌ترین انقلاب جهان است، بدون خواست ملت‌ها حاصل نمی‌شود. ظهور همان‌طور که نشانه‌هایی دارد، شرایطی هم دارد.

تلاشگران در مهیا کردن شرایط ظهور، همان‌هایی هستند که زمینه‌ساز این امر زیبا و نورانی خواهند شد و در تمام اتفاقات آن

دوران که صلح و صفا تمام عالم انسانیت را فرامی‌گیرد، شریک هستند.

طبق وعده الهی، حلقه نهایی حق علیه باطل تشکیل خواهد شد و لباس زیبای حق و عدالت به قامت جهانیان پوشانده می‌شود، اما کسانی که در حلقه‌های کوچک حق علیه باطل - که به تشکیل حلقه نهایی می‌انجامد - شرکت نداشته باشند، در حلقه آخر هم نقشی ندارند و بهره‌ای نمی‌برند.

تا من و شما نخواهیم، ظهور محقق نمی‌شود. خواست ما هم به ایجاد شرایط و زمینه‌سازی است که شب و روز تلاش کنیم تا قدمی به سمت دوران زیبای ظهور برداریم.

دستیابی به شرایط ظهور با اصلاح یک شبه امر فرج از طرف خداوند منافاتی ندارد؛ زیرا فراهم شدن شرایط در خفا صورت می‌گیرد. یاران آماده می‌شوند و اقبال عمومی هم ایجاد می‌شود. آن وقت در چشم برهم‌زدنی، ظهور محقق می‌شود و ما از قافله عقب خواهیم ماند.

## زیبایی‌های ظهور

لازم است کوتاه به دوران ظهور اشاره کنیم تا با فهم درست آن زیبایی‌ها و کمالات، به سمت آن قدم برداریم.

هرچند هرگز نمی‌توانیم با ترسیم گوشه‌ای از آن دوران به زیبایی‌هایش برسیم، اما اشاره‌ای کوتاه هم می‌تواند راه‌گشا باشد.

آنچه از روایات اهل بیت علیهم‌السلام برمی‌آید، این است که در آن دوران، همه مخلوقات به کمالشان می‌رسند؛ به همین دلیل، همه

خوش حال و شاد هستند؛ حتی ماهی های دریا و پرندگان آسمان.<sup>۱</sup> امام، گنج های زیر زمین را استخراج و بین مردم تقسیم می کند؛ به طوری که دیگر هیچ فقیری پیدا نمی شود<sup>۲</sup> و مردم برای دادن صدقه به مشکل برمی خورند.

عقل ها رشد بی حدی کرده، مردم دنبال ارزش های الهی می روند.<sup>۳</sup> ریشه بد اخلاقی زده می شود، همه از زن و مرد به سمت قرآن می روند و اخلاق و عقیده خویش را با قرآن، سروسامان می دهند.

دیگر از جهل و نادانی خبری نیست، یک نهضت عظیم علمی با پرچم داری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که عالم به علم الهی است شکل می گیرد. ۲۵ قسمت باقی مانده از ۲۷ حرف علم به بشر آموخته می شود تا سیرابی علم و دانش همه را به نشاط و سرزندگی برساند.<sup>۴</sup> حکمتی به بشر عطا می شود که حتی زنی خانه دار در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسولش به قضاوت خواهد پرداخت.<sup>۵</sup>

در آن دوران، حاکم جهان فردی مهربان و دلسوز است، فرزند رسول خداست و مهربانی را از او به ارث برده است. در زمان ظهور به عشق امام و مهربانی اش، آسمان می بارد و زمین بخشنده می شود.<sup>۶</sup>

۱. کمال الدین، باب ۳۲، ج ۱۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۳. کمال الدین، باب ۵۸، ج ۲۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۵. غیبت نعمانی، باب ۳۱۳.

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

همه ویرانی ها آباد می گردد و هیچ جای خرابی پیدا نمی شود.<sup>۱</sup>  
کشاورزی و صنعت، رونقی بی سابقه پیدا می کند و از آلودگی  
محیط زیست خبری نیست و پرندگان در شاخسار درختان جز  
نغمه شادی و عشق نمی خوانند.<sup>۲</sup>

دیگر کسی ناقص پا به دنیا نمی گذارد<sup>۳</sup> و از بیماری خبری نیست.<sup>۴</sup>  
و مهم تر از همه عطر عدالتی است که به مشام همه می رسد.<sup>۵</sup>  
جنازه متعفن ظلم، در تابوت رو به قبرستان می رود و عدالت مثل  
سرما و گرما در خانه ها نفوذ می کند.<sup>۶</sup> حتی حیوانات و گیاهان نیز  
مورد ظلم واقع نمی شوند. گل ها با نسیم ملایم به رقص می آیند و  
شکوه زیباتری به صحرا می دهند.

مردم جهان یک دل و یک پیمان می شوند و همگی با عشق و  
محبت، زندگی را زیر سایه امام و رهبرشان می گذرانند.

و چه زیباست لحظه اقتدای عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به یوسف زهرا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ آن  
لحظه که از آسمان فرود می آید و پشت سر امام عصر عَلَى اللَّهِ تَعَالَى نماز  
می خواند و مسیحیان جهان را به پذیرش رهبری امام عصر عَلَى اللَّهِ تَعَالَى  
دعوت می کند.<sup>۷</sup>

---

۱. کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۶.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۳. غیبت نعمانی، باب ۲۱، ح ۲.

۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

۵. همان، ج ۵۱، ص ۶۶.

۶. غیبت نعمانی، باب ۱۷، ص ۶۶.

۷. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

امامی که اهل آسمان و زمین همگی از او خشنود هستند<sup>۱</sup> و همه در آسایش و امنیت مطلق به سر می‌برند؛ به طوری که یک زن در حالی که زیورآلات همراه دارد، از شرق به غرب می‌رود، بدون اینکه بترسد یا دلهره‌ای داشته باشد.<sup>۲</sup>

انسان‌ها از نعمت‌هایی برخوردارند که هرگز فکرش را هم نمی‌کردند.<sup>۳</sup>

طعم بندگی و لذت مناجات با خدا و ارتباط با امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى در آن دوره خود را نشان می‌دهد و دیگر کسی انگیزه‌ای برای تبعیت از شیطان را ندارد.<sup>۴</sup>

در یک جمله، همه خیر در همان زمان است و از بدی خبری نخواهد بود.<sup>۵</sup>

عمرها طولانی می‌شود و بهداشت رشد چشمگیری پیدا می‌کند. و زیباتر از همه اینکه، مردم آن دوران هر وقت دلشان برای امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى تنگ شد، می‌توانند به راحتی آن بزرگوار را ملاقات کنند؛ امامی که امیرمؤمنان علی عَلِيٍّ مشتاق دیدارش بود و از شدت شوق، آه می‌کشید.<sup>۶</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۸۳.

۴. همان، ص ۱۳۰.

۵. غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۱۹.

۶. همان، باب ۱۳، ح ۱.

زیبایی‌های دوران ظهور بیش از آن چیزی است که گفته شد. ما فقط چشمه‌ای از آن دوران را بیان کردیم تا به خوبی دریافت شود که قدم برداشتن به سمت این دوران، زمینه‌سازی برای محقق شدن این وعده بزرگ خدا، ما را در چه مقام و جایگاهی قرار می‌دهد.

## شرایط ظهور

ظهور علایمی دارد و شرایطی.

آنچه مهم است و ما در آن نقش داریم، شرایط ظهور است که با فراهم شدنشان، آمدن نور قطعی است. برای زمینه‌ساز شدن، چاره‌ای جز شناخت شرایط و حرکت در ایجاد آن‌ها نداریم.

شرایط ظهور عبارت‌اند از:

### ۱. برنامه و طرح کامل

تجربه نشان داده است که عقل بشری توانایی ایجاد قانون و برنامه‌ای جامع را ندارد که بتواند با آن سعادت بشر را تضمین کند. در اروپا و آمریکا که خود را مهد تمدن می‌دانند، چهار قرن است که وعده زندگی بدون دغدغه را به ملت‌هایشان می‌دهند، اما طومار مشکلات آن‌ها حاکی از درماندگی این سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان است.

«آلویین تافلر» مشاور سیاست‌مداران آمریکا، در عین ناامیدی از حل بحران‌ها می‌گوید:



فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد....

در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی‌اند، اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب‌المثل‌ها را هرچه بیشتر دامن می‌زند.<sup>۱</sup>

آموزه‌هایی قرآن کریم و سنت معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عنوان بهترین قانون و برنامه در اختیار امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف است. ایشان با عمل درست به آن قوانین الهی و اجرای درست آن، جامعه را به سمت سعادت و خوشبختی خواهند برد.

## ۲. رهبری مقتدر

دومین شرط ظهور، وجود فردی است که مورد تأیید خداوند و دارای علم الهی و مصون از خطا و اشتباه باشد. رهبری که علاوه بر دلسوزی، از مدیریتی صحیح و قاطع برخوردار

۱. تافلر، به سوی تمدن جدید؛ به نقل از: نگین آفرینش، ص ۱۲۷.

باشد تا بتواند تمام جهان را به سوی خیر و آبادانی و بندگی راهنمایی کند.

امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا و وارث هر آن چیزی است که آن‌ها داشتند. از علوم الهی گرفته تا عصای موسی عَلَيْهِ السَّلَام که با آن فرعونیان را نابود ساخت، انگشتر سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام که با آن بر نیمی از عالم تسلط داشت، دم قدسی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام که مرده را حیات می بخشید، پیراهن ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام که او را از آتش حفظ کرد و تمام آنچه خوبان عالم همگی داشتند، همه را یک جا خداوند در آن ذخیره الهی جمع نموده است تا زیباترین اتفاق عالم با رهبری ایشان رخ دهد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آگاه باشید! مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الشریف وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد»<sup>۱</sup>.

### ۳. یاران جان برکف و مجریان توانمند

سومین شرط ظهور، یاران هستند که بازوان اصلی رهبر قیام را تشکیل می دهند و او را برای رسیدن به اهدافش یاری می کنند.

اگر یک رهبر، به تعداد کافی و لازم، یار و پشتیبان نداشته باشد، هر قدر هم هدفش مقدس و متعالی باشد و خودش هم از چهره‌ای قدسی و روحانی برخوردار باشد و مدیری توانمندی به شمار رود، باز هم نمی تواند به مقصود و هدفش برسد.

از این رو، یکی از علت‌های طولانی شدن غیبت، تکمیل نشدن

یاران جان برکف آن حضرت است؛ آن‌ها که هسته اولیه‌شان ۳۱۳ نفر هستند، به تعداد اصحاب بدر، اما در گروه‌های دیگر افراد بیشتری به یاری حضرت می‌شتابند.

با نگاهی گذرا به تاریخ ادیان و اسلام و به ویژه شیعه، به خوبی می‌توان دریافت که یکی از مشکلات اساسی و جدی پیامبران و امامان علیهم‌السلام، نبود یاران بوده است. اگر یاران بودند و جان فدایی می‌کردند، نه سقیفه‌ای به وجود می‌آمد، نه سجاده از زیر پای امام حسن علیه‌السلام کشیده و نه صلح به ایشان تحمیل می‌شد و نه عاشورایی این چنین رقم می‌خورد که سرها به نیزه رود، فقط به این دلیل که لشکر یزید پرتعداد بود و لشکر امام کم‌تعداد. دیگر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را هم که می‌دانیم به همین دلیل نبود یار وفادار، برای مخالفت با حاکمان جور زمان خویش، حتی نتوانستند اعلان دعوت کنند.

#### ۴. بالا رفتن سطح رشد و فهم و آمادگی عمومی

ظهور زمانی شکل می‌گیرد که همه جهانیان از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی و امنیت اخلاقی و روانی در رشد و شکوفایی معنوی باشند.

زمانی که فساد اخلاقی در انواع مختلف رواج پیدا کند و افراد در انجام کارهای ضد اخلاقی بر یکدیگر سبقت بگیرند و بر اعمال زشت خود افتخار کنند، نظام خانواده سست و آسیب‌های بسیاری بر اجتماع وارد شود و...، مردم جهان ناخواسته تشنه عدالت و امنیت و آرامش می‌گردند. از فرضیه‌های شکست خورده که پوچی آن‌ها را به وضوح دریافته‌اند، ناامید شده، از تمامی

سازمان‌های بین‌المللی و جهانی دل می‌کنند و دنبال منجی واقعی خواهند بود. هرچند قرار نیست همه مسلمان شوند تا اقبال عمومی حاصل شود، اما تشنگی عمومی برای رسیدن به عدالت و فرار از ظلم، حتی در ادیان دیگر و ملت‌های مختلف فراوان می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف دوران پیش از ظهور فرمود: «[زمانی می‌رسد] که انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی‌یابد که از شر ظلم و تباهی به آن پناه برد؛ پس در آن زمان خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد»!

این چهار شرط اگر محقق شود، بدون شک ظهور شکل خواهد گرفت.

شرط اول و دوم موجود است، اما شرط سوم و چهارم تلاش جهادگونه ما را می‌طلبد تا به ندای امامان لبیک گوئیم و در این راه قدمی استوار برداریم.

### زمینه‌سازی بایاری امام

برای یاری حضرت و تحقق شرط سوم و چهارم، نیازمند شناخت و حرکت در این مسیر هستیم. از خداوند متعال گرفته تا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تا همه خوبان عالم، همه مشتاق محقق شدن زیبایی‌های ظهور و رسیدن به آن دوران بوده‌اند.

به‌همین دلیل، در کتاب خدا و در سخنان نورانی پیشوایان

معصوم علیه السلام بحث یاری دین خدا و امام که متولی دین است، مطرح شده تا با یاری امام عصر فرجه الشریف زمینه رسیدن به دورانی که تنفس در آن آرزوی هر مؤمن است، فراهم شود.

## اهمیت و ضرورت یاری امام در قرآن

در قرآن کریم بحث یاری خداوند مطرح شده است. خدایی که هیچ نیازی ندارد و محتاج نیست، چگونه از بندگانش طلب یاری کرده است و چه پاداش عظیمی برای کسانی که در مسیر یاری وارد شوند، قرار داده است؟

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۱</sup>

اگر خدا را یاری کنید، یاری تان کرده، ثبات قدم ارزانی تان می‌کند.

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾<sup>۲</sup>

وحتماً خدا یاری می‌کند کسی که او را یاری کرده است.

منظور از یاری خدا، یاری دین و پیامبر خداست.<sup>۳</sup>

تلاش برای برپایی دین و فراگیری مذهب حق و بندگی خداوند، یاری اوست. برای یاری دین، چاره‌ای جز یاری متولی دین نداریم که در زمان ما، امام زمان فرجه الشریف عهده‌دار این مسئولیت بزرگ

۱. محمد: ۷.

۲. حج: ۴۰.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۴۳۹.

است. اگر در مسیر یاری او قرار گرفتیم، همان یاری خدا را اجابت کرده ایم.

در آیاتی نیز بحث یاری خداوند از ولی خود مطرح شده است.

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾<sup>۱</sup>

ما فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده اند، یاری می دهیم.

﴿وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا﴾<sup>۲</sup>

و تو را به نصرتی قوی یاری دهد.

و در جای دیگر به حالت توبیخ فرموده که اگر شما ولی مرا یاری نکنید و خود را از این فیض بزرگ محروم سازید، خود من او را یاری می کنم.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ﴾<sup>۳</sup>

اگر او (پیامبر) را یاری نکنید، خداوند او را یاری می کند.

و چون ما شئون پیامبر گرامی اسلام ﷺ را غیر از شأن نبوت، برای امام نیز قایل هستیم، در بحث یاری امام هم این مطلب صادق است که اگر ما در یاری او کوتاهی کنیم، خداوند او را یاری داده و خواهد داد؛

۱. غافر: ۵۱.

۲. فتح: ۳.

۳. توبه: ۴۰.

منتها خداوند مهربان می‌خواهد چیزی نصیب ما شود.

خداوند در سوره هود یاری‌کنندگان ولیّ خود را مؤمن و در سوره حشر آن‌ها را از گروه «صادقین» دانسته است،<sup>۱</sup> اما اوج بحث یاری ولیّ خدا در قرآن کریم، درخواست حضرت عیسی علیه السلام برای یاری خویش است که گروهی به نام حواریون پاسخ مثبتی به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حضرت عیسی علیه السلام می‌دهند.

﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ  
الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup>

همین که عیسی علیه السلام از بنی اسرائیل احساس کفر نمود، فرمود: کیست که مرا در راهی که به سوی خدا منتهی می‌شود، یاری کند؟

و منظورش از این پرسش این بود که بفهمد از میان مردم، چند نفر طرفدار حق‌اند، تا روی آنان حساب کند و خلاصه بفهمد چقدر عدّه و عدّه دارد، نیرویش در آنان متمرکز گشته، دعوتش از ناحیه آنان منتشر شود.<sup>۳</sup>

ندای یاری خواهی ولیّ خدا همچنان بلند است. در آن زمان حواریون اعلام آمادگی کرده، خود را به این نشان مفتخر کردند و

۱. هود: ۳۰؛ حشر: ۸.

۲. آل عمران: ۵۲.

۳. ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۳۱۷.

اینک نوبت ماست.

«اصل حواریون از "حور" است که به معنای سفیدی خیلی زیاد است و کأنه حواری فلان شخص کسی است که مانند اسب پیشانی سفید، دارای نشان است و مردم او را به عنوان دوست و یاور وی می شناسند»<sup>۱</sup>.

و خداوند یاری این چند نفر را به رخ همه انسان ها کشیده، می فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»<sup>۲</sup>  
ای مؤمنان، یاوران خدا باشید، همان طور که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسی مراد راه خدا یاور است؟ حواریون گفتند: ماییم یاوران خدا.

در سوره آل عمران، خداوند به مؤمنان واجب نموده که به رسول او ایمان آوردند و تنها به ایمان به او بسنده نکنند، بلکه او را یاری هم بنمایند.

۱. همان، ص ۳۱۹. «پس باید در مسیر یاری امام، آن قدر درگیر باشیم تا به این مطلب شناخته شده باشیم و نشانی باشد برای ما».

۲. صف: ۱۴.



﴿جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾<sup>۱</sup>  
برای شما رسولی آمد. به او ایمان آورید و یاری اش کنید.

بی تردید امامی را که جانشین پیامبر شده، باید یاری نمود و برای رسیدن به اهدافش از هیچ کوششی دریغ نکرد، که خداوند متعال خودش نیز یاری کننده رسولانش است.

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا﴾<sup>۲</sup>

همانا ما رسولانمان را یاری می‌کنیم.

برای تخلق به اخلاق الله هم چاره‌ای جز یاری رسولانش نداریم که در این زمان، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ولی خدا و جانشین رسولان خدا بر است و اگر ما ناز کنیم و دریاری ولی خدا کوتاهی نماییم، خداوند این امر مهم را انجام می‌دهد و برای ما، جز محرومیت و خسران باقی نخواهد ماند.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ﴾<sup>۳</sup>

اگر پیامبر را یاری نکنید، خداوند او را یاری خواهد کرد.

۱. آل عمران: ۸۱.

۲. غافر: ۵۱.

۳. توبه: ۴۰.

## اهمیت و ضرورت یاری امام در روایات

اهل بیت علیهم السلام برای زمینه‌سازی این آرزوی بزرگ که به دست آخرین ذخیره الهی محقق می‌شود، توصیه‌ها و تأکیدهای فراوانی در بحث یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته‌اند؛ زیرا با یاری امام، زمینه رسیدن به آنچه هدف تمام انبیا و اولیا بوده است، فراهم می‌شود.

### برخی توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام در بحث یاری امام

امام مجتبی علیه السلام فرمود: «کسی که ما را با قلبش دوست داشته باشد و با زبان و دستش ما را یاری کند، در غرفه‌های بهشتی با ما خواهد بود»<sup>۱</sup>.

بزرگ‌ترین و بهترین پاداشی که به ذهن می‌آید همین است که در بهشتی باشی که اهل بیت پیامبر علیهم السلام آنجا هستند و راه رسیدن به آن بهشت، یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حرکت در مسیر زمینه‌سازی ظهور است.

امام علی علیه السلام فرمود: «ناصِرُنَا وَ مُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ»<sup>۲</sup> کسی که ما را یاری نماید و دوست بدارد، در رحمت الهی قرار می‌گیرد».

رحمت خاص خدا، با یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و محبت قلبی به ایشان حاصل می‌شود؛ رحمتی که تمام ابعاد وجودی زندگی انسان را فرا می‌گیرد و تا آخر راه، مسیر را برایش روشن می‌کند.

امام صادق علیه السلام در مجلسی هشام را تحویل گرفته، کنار خود

۱. أمالی شیخ مفید، ص ۳۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

نشاندهند. وقتی این رفتار برای بزرگان مجلس سنگین آمد، امام علت این کار را مطرح فرمودند: «هشام با قلب، زبان و دستش ما را یاری می‌کند»<sup>۱</sup>!

به راستی، اگر کسی دوست دارد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژه تحویلش بگیرد و به او توجه خاص نماید، تنها راه او، قرار گرفتن در مسیر یاری امام است.

در روایت دیگری آمده است که از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال شد: آیا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا آمده‌اند؟ ایشان فرمودند: «لا و لو ادرکته لخدمته ايام حياقی»<sup>۲</sup> نه، به دنیا نیامده است، اما اگر درکش کنم، تمام عمر به او خدمت می‌کنم».

خدمت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاری ایشان چه عظمتی دارد که امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن مقام و منزلت، آرزوی این خدمت را دارند؛ همان آرزویی که پدرشان امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند متعال درخواست می‌نمایند:

وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَ...<sup>۳</sup>

خدایا، مرا از بهترین و فرمان‌بردارترین یاران و شیعیانش قرار

ده.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۹۶.

۲. الغیبه نعمانی، ص ۲۴۵.

۳. اقبال الاعمال، ص ۶۷۵؛ سلوک مهدوی، ص ۹۳.

البته نکته‌ای که باید در نظر گرفت، این است که در این خدمت و یاری، افراد با توجه به ظرفیت‌های خویش پیش می‌روند؛ اوج یاری امام به این است که تمام زندگی خویش را وقف فرج آل محمد صلی الله علیه و آله نماییم و در نهایت، جان ناقابل ما هم در راهشان فدا شود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر علیه السلام به محضر ایشان آمده، عرض می‌کند که ما در انتظار امر فرج شما همه زندگی خود را وقف کرده‌ایم و در این راه برای ما مشکلاتی پیش آمده است. امام می‌فرمایند: «خداوند راه‌هایی از مشکلات را برای بنده‌ای که خود را وقف ما کرده است، قرار می‌دهد»!

امام باقر علیه السلام ضمن تأیید عبدالحمید و کارش، به او مژده رحمت الهی و خروج از مشکلات داده، همچنین در پایان او را به اجری که به شهدای در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داده می‌شود، بشارت می‌دهد.

در پله اول لازم نیست جوانان ما این‌گونه قدم بردارند و تمام زندگی خویش را وقف کنند. مهم شروع حرکت و قدم برداشتن به سوی آن آرمانی است که انبیا و اولیا جانشان را فدای آن نمودند.

از روایات که بگذریم و در زیارات و ادعیه مهدوی نظری بیندازیم، به این مطلب خواهیم رسید که هیچ دعای زیارتی منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نداریم، جز اینکه در همه آن‌ها بحث یاری حضرت مطرح شده است.

## زیارت آل یس

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ<sup>۱</sup>

خدایا، مرا از یاران و یاوران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بده.

## زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ  
مَشْهُورًا؛<sup>۲</sup>

خداوند! همان طور که قلب مرا با یادش آباد کردی، پس سلاح  
مرا برای یاری او از نیام بیرون آمده قرار بده.

## زیارت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هر روز صبح

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ<sup>۳</sup>

و مرا از یاران و شیعیانش قرار بده.

## دعای عهد

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ  
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ [وَالْمُتَثَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ] وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ  
إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛<sup>۴</sup>

۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲. المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۶۵۸.

۳. همان، ص ۶۶۳.

۴. البلد الأمين و الدرع الحصين، النص، ص ۸۲-۸۳.

خدایا، مرا از یاران، مددکاران و دفاع‌کنندگان از او قرار بده؛ و از شتابندگان به سویش در برآوردن خواسته‌هایش و اطاعت‌کنندگان او امرش و مدافعان حضرتش و پیش‌گیرندگان به خواسته‌اش و کشته‌شدگان در محضرش قرار بده.

### زیارت رضویه

وَقَوِّنَا صِرِيهٔ<sup>۱</sup>

یاوران‌ش را قوی بگردان.

وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ... حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ<sup>۲</sup>

ما را در حزبش قرار بده... تا در روز قیامت در شمار یاران و مددکارانش محشور شویم.

### دعای استغاثه به حضرت صاحب‌الزمان عَلَيْهِ السَّلَام

كَثْرَ أَنْصَارِكَ وَأَعْوَانِكَ<sup>۳</sup>

خدایا، یاران و مددکارانش را فراوان بگردان.

۱. مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، ج ۱، ص ۳۱۰.

۲. همان، ص ۴۱۱.

۳. المزار الکبیر (لابن‌المشهدی)، ص ۶۷۱.

## دعای عصر غیبت

### واقنا بخدمته

ما را به خدمت حضرتش پایدار دار.

وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ

و ما را در گروهش و یارانش و مددکارانش قرار بده.

در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز توصیه به یاری و تشویق کسانی که در مسیر یاری قدم برداشته‌اند، دیده می‌شود و اینکه در برخی موارد آرزوی زیاد شدن افرادی با این اوصاف را داشتند.

امام باقر علیه السلام خطاب به ابان بن تغلب فرمود: «در مجلس مدینه بنشین و فتوا بده. من دوست دارم در شیعیانم مثل تو را ببینم»<sup>۱</sup>.

وقتی هم خبر رحلت ابان به امام صادق علیه السلام رسید، بسیار ناراحت شده، فرمودند: «به خدا سوگند! مرگ ابان، دل مرا به درد آورد»<sup>۲</sup>.

امام باقر علیه السلام ضمن حمایت از کُمیت اسدی که در خدمت اهل بیت علیهم السلام شعرهای حماسی می‌سرود و مثل دیگران از ترس جان در خانه پنهان نشده بود، فرمود: «تا زمانی که از ما خاندان دفاع می‌کنی، همواره به روح القدس مؤید خواهی بود»<sup>۳</sup>.

امام صادق علیه السلام در تأیید این یاران و خادمان جان‌برکف فرمود:

۱. رجال نجاشی، ص ۱۰.

۲. همان.

۳. مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۲۹.

«یاران پدرم؛ زرارة بن اعین، محمد بن مسلم، لیث مرادی و برید عجلی، مرده و زنده ایشان مایه آبرو و زینت ما بوده‌اند. ایشان برپادارنده عدل، داد، صدق و راستی و از پیشروان و مقربان‌اند»<sup>۱</sup>.  
امام صادق علیه السلام هر وقت ابو حمزه ثمالی را می‌دید، احساس خوب و راحتی داشت.

### إِنِّي لَأَسْتَرِيحُ إِذَا رَأَيْتُكَ<sup>۲</sup>.

و برای او از خداوند، طلب رحمت می‌نمود.  
آیا رفتار ما به‌گونه‌ای بوده است که راحتی و آسایش را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به‌ارمغان آورد؟ آیا توانسته‌ایم با کارهایمان، اندکی از غم‌های دل عزیز زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف را بکاهیم؟  
حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی می‌فرمود: در حرم امام رضا علیه السلام بودم که آیت‌الله صفایی (عین‌صاد) مرا دید و فرمود: آقای قرائتی، امام علی علیه السلام هر وقت مالک اشتر را می‌دید، شاد می‌شد. آیا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این‌گونه شده‌ای؟  
امام صادق علیه السلام درباره هشام بن حکم فرمودند: «هرکس از هشام پیروی کند و پا جای پای او بگذارد، از ما پیروی کرده است»<sup>۳</sup>.  
به‌راستی اگر هشام‌ها انگشت شمار نبودند، مقدمات ظهور فراهم می‌شد.

۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۵۰۷.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. معالم العلماء، ص ۱۲۸.



آیا نباید در فکر تربیت هشام‌های زمان، مراکز دینی و علمی ما دست‌به‌کار، قدمی برای زمینه‌سازی ظهور بردارند؟

امام جواد علیه السلام درباره محمد بن سنان زاهدی فرمود: «خدا از او راضی باشد. من از او راضی هستم که حتی لحظه‌ای با من و پدرم مخالفت نکرد».<sup>۱</sup>

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام جوانمرد دیگری است که افتخار درک محضر امام جواد و امام هادی علیه السلام را داشت. او مورد تأیید امام هادی علیه السلام قرار گرفته، امام درباره‌اش فرمود: «انت ولینا حقاً»<sup>۲</sup> تو به معنای واقعی دوست ما هستی».

امام باقر علیه السلام ضمن تعریف و تمجید از میثم تمار به صالح، پسر او فرمود: «من به تو و پدرت علاقه بسیار دارم».<sup>۳</sup>

میثمی که در عصر خفقان که نشر فضایل علی علیه السلام جرم محسوب می‌شد، تا پای جان به یاری امامش پرداخت و لحظه‌ای از این فیض بزرگ، یعنی یاری و دفاع از امامش کوتاه نیامد، حتی با دست و پای بریده بر فراز دار باز هم امامش را یاری می‌کرد و با یادآوری فضایل امیرمؤمنان علیه السلام مردم را به سوی ایشان دعوت می‌نمود.

بعد از اینکه زبانش را در دفاع از علی علیه السلام قطع کردند، باز هم جنازه‌اش بر بالای دار همچنان ایفای نقش می‌کرد و مردم با دیدنش می‌گفتند او کسی است که جانش را فدای مولایش نمود.

۱. تحلیلی از زندگی امام محمدتقی علیه السلام، ص ۵۱۱.

۲. همان، ص ۴۹۴.

۳. نفس المهموم، ص ۵۹.

از شخصیت‌های دیگری که در یاری ولی خدا بسیار مؤثر بود، می‌توان حضرت حمزه سیدالشهداء را نام برد. نقش حمایت و یاری حمزه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام بسیار سرنوشت‌ساز بود. شجاعت او در دفاع از حق و یاری دین خدا زبانزد همگان است. جای خالی او در دوران بعد از پیامبر بسیار احساس می‌شد. امیرمؤمنان علی علیه السلام پیوسته می‌فرمود: «به خدا سوگند! اگر حمزه و جعفر زنده بودند، هرگز فلانی در خلافت طمع نمی‌بست»<sup>۱</sup>. فردای سقیفه، جعفر و حمزه را به یاری می‌طلبید و آرزوی بودنشان را داشت، ولی آن روز، جعفر و حمزه زنده نبودند.

سدیر می‌گوید:

در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم که سخن از حوادث پس از رحلت پیامبر به میان آمد و اینکه مردم، علی علیه السلام را یاری نکردند. کسی از حضرت پرسید: پس قدرت بنی‌هاشم و جمعیت آنان چه شد؟ حضرت فرمودند: مگر از بنی‌هاشم کسی هم مانده بود؟ جعفر و حمزه که شهید شده بودند. عباس و عقیل هم ضعیف و ناتوان شده، از مسلمانی آنان مدت زیادی نمی‌گذشت. به خدا قسم! اگر حمزه و جعفر زنده بودند، هرگز آن دو نفر (دو خلیفه) به خواسته‌های خودشان نمی‌رسیدند و اگر لازم بود جان خود را فدا می‌کردند تا چنین وضعی پیش نیاید.<sup>۲</sup>

۱. اسوه‌ها، ص ۳۰۴.

۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۳۸؛ اسوه‌ها، ص ۳۰۴.

آیا در این زمان، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم آرزوی مردانی چوی حمزه و جعفر را ندارد و در حسرت تربیت چنین مردانی انتظار نمی‌کشد؟  
 عمار یاسر نیز یکی از مردانی است که در یاری امامش سر از پا نمی‌شناخت. در جنگ جمل و صفین با اینکه محاسنش سفید شده بود، آن‌چنان در دفاع و یاری امامش کوشید که تحسین همگان را برانگیخت و در نهایت جان خود را فدای راهی کرد که همه ما باید آرزوی قرار گرفتن در آن راه را داشته باشیم و از خداوند توفیق یاری امام را مسئلت نماییم.

عمار در جنگ صفین، خدمت مولا و امامش آمد تا اذن میدان بگیرد. حضرت علی علیه السلام اجازه میدان نمی‌دادند. بار سوم، اشک در چشمان مولا حلقه زد... عمار خوش حال شد و دانست که این روز، همان روزی است که در راه یاری امامش به مقام فنا خواهد رسید. امیرمؤمنان علیه السلام عمار را در آغوش کشید و با او وداع کرده، فرمود: «تو برادر و رفیق خوبی بودی».

ای کاش ما هم رفیق خوبی برای امام زمانمان می‌شدیم!  
 نمونه دیگر، حبیب بن مظاهر است که نشان داد یاری امام سن و سال نمی‌شناسد. او در تمامی جنگ‌های امیرمؤمنان علیه السلام به یاری امامش شتافته بود و در دوران امام حسین علیه السلام به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام لبیک گفت.  
 در نامه‌ای که امام حسین علیه السلام به حبیب نوشته‌اند، آمده است: «ای حبیب،... در فدا کردن جان خود در راه ما دریغ مکن»!

حبیب عازم کربلا شد و روز هفتم محرم برای یاری امامش به آنجا رسید. او باید تا قیامت شکرگزار خدا باشد که به موقع به یاری امامش شتافته است.

وقتی حبیب آمد، زینب کبری علیها السلام و خیمه نشینانها خوش حال شدند. حبیب تا خوش حالی آنها را دید، با خود گفت: حسین چقدر بی یاریاور شده است که با آمدن من پیرمرد، اهل بیتش خوش حال می شوند.

مسلم بن عوسجه نیز وقتی برای یاری امام به میدان رفت و بعد از جان فشانیها، در خون خود غرق بود، در لحظه آخر نگاهی عمیق به حبیب انداخت. در حالی که امام حسین علیه السلام نیز بالای سرش نشسته بود، حبیب رو به مسلم کرد و گفت: «اگر بعد از تو کشته نمی شدم، دوست داشتم که وصیت هایت را به من بگویی».

مسلم به زحمت لب به سخن گشود و گفت: «تو را وصیت می کنم به این مرد (به امام حسین علیه السلام اشاره کرد) تا دم مرگ با او باش و در رکابش بمیر».

حبیب گفت: «به خدای کعبه سوگند! چنین خواهم کرد»!

جابر بن یزید جعفی نیز یکی از کسانی است که در خدمت به امامش لحظه ای کوتاهی نکرد.

امام صادق علیه السلام نسبت او را به امام باقر علیه السلام، نسبت سلمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانستند.<sup>۲</sup> و فرمودند: «خداوند جابر را رحمت کند که ما را

۱. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۵۵.

۲. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۳۳۵.

تصدیق و تأیید می کرد و مؤمنان را با علم خود اصلاح می نمود.<sup>۱</sup>

همچنین امام صادق علیه السلام درباره زرارة بن اعین فرمود: «اگر زراره نبود، احادیث پدرم از دست می رفت.»<sup>۲</sup>

به طور قطع، حفظ آثار یک امام، نیازمند تلاشی جهادگونه و عالمانه است که زراره در این مهم، موفق بوده است و آثار جهادش تا قرن ها امتداد داشته و دارد. اما همان طور که می دانید، این گونه افراد و خادمان، انگشت شمار بودند و از نظر کمیّت در اقلیت قرار داشتند.

همچنین باید به یاران باوفای کربلا اشاره کنیم که هم عالم بودند و هم جهادگر عرصه جنگ و نبرد که امامشان را تنها نگذاشته، جانشان را فدای او نمودند. در رأس همه آنها، وجود نازنین قمر بنی هاشم علیه السلام است که در طول زندگی، پیوسته جانش را سپر حفاظت از امام زمان خویش ساخته بود و در راه حمایت از امامش می جنگید. در زیارت ناحیه مقدسه که از زبان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده، آمده است:

سلام بر ابوالفضل العباس فرزند امیرمؤمنان، آن که جانش را فدای برادرش کرد، آن که از دیروز خود برای فردایش بهره گرفت، آن که خود را فدای حسین علیه السلام کرد و خود را نگهبان او قرار داد، آن که دستانش قطع شد.<sup>۳</sup>

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. رجال کشی، ص ۸۸.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۶.

این بحث را با حکایتی زیبا از خادم امام صادق علیه السلام به پایان می‌بریم تا ببینیم که خدمت در این آستان، چه مقام و قربی دارد. شخصی از امام جواد علیه السلام پرسید: غلامان و خادمان شما از محبت و خدمت به شما چه بهره‌ای می‌برند؟ امام فرمود:

امام صادق علیه السلام خادمی داشت که وقتی حضرت وارد مسجد می‌شد، مرکبش را نگه می‌داشت. روزی که غلام، بیرون مسجد مرکب را نگه داشته بود، عده‌ای از جانب خراسان آمدند. یکی از آن‌ها به خادم گفت: آیا دوست داری از آقایت بخواهی که مرا جای تو قبول کند و من غلام او بشوم و در عوض تمام ثروتم را که خیلی هم زیاد است، به تو بدهم؟ خادم خدمت حضرت رفت و سخن آن مرد را برای امام عرض کرد. حضرت فرمود: اگر مایل نیستی به ما خدمت کنی، اشکالی ندارد. می‌توانی بروی. خادم برگشت که برود، اما امام صدایش زد و فرمود: به خاطر اینکه زیاد با ما بودی، تو را نصیحتی می‌کنم، ولی اختیار با خودت است.

روز قیامت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به نور خدا چنگ می‌زند. امیرمؤمنان به نور رسول خدا و امامان به نور امیرمؤمنان و شیعیان به نور ما چنگ می‌زنند و به جایی که ما داخل می‌شویم، داخل می‌شوند.

در این هنگام، آن غلام به حضرت گفت: در خدمت شما می‌مانم....<sup>۱</sup>

۱. جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، ترجمه الخرائج و الجرائح، ص ۳۱۲.

## خاطره‌ای زیبا

حاج آقای قرائتی می‌فرمود: شب نیمه شعبان در مکه بودم. نیت کردم به بازار بروم و پانزده عدد پیراهن به همراه خودنویس برای کارگران آشپزخانه به نیت خوش‌حالی امام زمان بخرم، اما متوجه شدم که هیچ پولی همراه نیست. بعد از نیم‌ساعت یکی از حاجیان کاروان ما نزد من آمد و گفت: حاج آقا، الان کارگران آشپزخانه برای تشکر خدمت شما می‌رسند. گفتم: بابت چی؟ گفت: بازار بودم به یادم افتاد نیمه شعبان است، نیت کردم برای خوش‌حالی امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ برای کارگران آشپزخانه پیراهن و خودنویس بخرم. در هنگام دادن هدیه‌ها، به ذهنم خورد که بگویم این‌ها از طرف حاج آقای قرائتی است؛ چون شما را می‌شناسند و خوش حال می‌شوند. آن‌ها هم خیلی خوش حال شدند و گفتند الان می‌آییم از حاج آقا تشکر می‌کنیم.

حاج آقای قرائتی در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده بود، گفتند: فهمیدم کوچک‌ترین نیت در راه خدمت به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ در محضر ایشان گم نمی‌شود.

## شروط یاری

برای محقق شدن امری، نخست باید شرایط را برای رسیدن به آن فراهم سازیم. یاری امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ نیز شرایطی دارد که در صورت فراهم شدن آن‌ها، این مهم برآورده می‌شود و به مقام یاری‌کننده امام خواهیم رسید.

## ۱. «منا» شدن

«منا» شدن مقام بلندی است برای یاری امام که اوج یاری را در پی دارد. هرکس به نسبتی که به این مقام برسد، توفیق یاری هم نصیبش می‌شود.

اگر از اهل بیت علیهم‌السلام نشویم، نمی‌توانیم برای اهداف آنها قدمی برداریم. اهل یک خانه می‌توانند با همکاری و یاری هم، آن خانه را سروسامان دهند و به نتیجه دلخواه برسانند.

از اهل بیت علیهم‌السلام شدن، مقام بسیار بالایی است که سلمان‌ها به آن رسیده‌اند. البته ما هم به نسبت خودمان می‌توانیم به مقام «منا» اهل‌البیت برسیم؛ شرطش این است که در این راه قدم برداریم و به دنبال پیروی از امام باشیم.  
راه «منا» شدن، «تبعیت» است.

﴿فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

پس هرکس تبعیت کند مرا، پس او از من است و هرکس نافرمانی کند مرا، همانا تویی آمرزنده مهربان.

این کلام ولی خداست که برای یاری خدا، دنبال اهل می‌گردد؛ کسانی که همراه و همفکر او باشند. تبعیت از گروهی، به راحتی ما را در آن گروه قرار می‌دهد و با آنها هم‌مسیر خواهیم شد.



خوشبختی و سعادت نصیب کسی می‌شود که در گروه اهل بیت علیهم‌السلام گیرد و خود را جزئی از آنها بداند.

يَا مَوْلَايَ شَقِي مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ<sup>۱</sup>

ای مولای من، بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و خوشبخت کسی است که از شما اطاعت نماید.

زیرا این اطاعت و تبعیت، انسان را به مقام «منا اهل‌البیت» می‌رساند.

حال باید دید چگونه می‌توان به تبعیت رسید؟

راه رسیدن به تبعیت که ارمغان «منا» شدن را به همراه دارد، محبت است.

مُحِب، مطیع محبوب است و در اطاعت او چون و چرا نمی‌کند.

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»<sup>۲</sup>

بگو اگر دوستدار خدا هستید، پس مرا تبعیت کنید تا خدا شما را دوست بدارد.

خداوند متعال اگر کسی را دوست داشت، بهترین‌ها را نصیبش می‌کند و چه چیزی بهتر از همراهی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱. زیارت آل یس.

۲. آل عمران: ۳۱.

اگر ما دوستدار واقعی امام باشیم، در گروه ایشان می‌گیریم و مسیر «منا» شدن را خواهیم پیمود؛ اما اگر دوستی و محبت ما جای دیگری خرج شد، به همان نسبت فاصله‌مان زیاد می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم، اخطار می‌دهد که اگر منافقان را دوست بدارید، شما هم از آن‌ها خواهید شد و وقتی از آن‌ها بشویم، از «منا» شدن دور شده‌ایم.

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنِّي﴾<sup>۱</sup>

هرکس از شما آن‌ها را (منافقان) دوست بدارد، پس از آن‌ها می‌شود.

محبت، تبعیت می‌آورد و تبعیت، «منا» شدن را به همراه دارد. حال، هرچقدر درجه تبعیت ما بیشتر شود، بیشتر به این مقام نزدیک می‌شویم و توفیق یاری بیشتری نصیبمان می‌شود.

اگر توفیق یاری حضرت عیسی علیه السلام نصیب حواریون شد، علت این بود که آن‌ها شرط تبعیت را در خودشان کامل محقق کرده بودند.

شیعه واقعی همان پیرویی است که در تمام زمینه‌ها از امام خویش تبعیت می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

حواریون عیسی علیه السلام شیعه او بودند و شیعیان ما حواریون ما هستند. حواریون عیسی علیه السلام در برابر او از حواریون ما مطیع تر نبودند....

به خدا قسم! شیعه ما از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را یاری می کنند؛ به خاطر ما می جنگند، سوزانده می شوند، اذیت می شوند و آواره می گردند....<sup>۱</sup>

«متنا» شدن معیت و همراهی می آورد و باعث نجات انسان خواهد شد.

﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا﴾<sup>۲</sup>  
و هنگامی که امر ما آمد، شعیب و کسانی را که همراه او بودند، نجات دادیم.

پس حرف ایمان به ولی خدا کافی نیست، بلکه شرط «متنا» بودن و همراهی را نیز لازم دارد.

در خطبه متقین، امیرمؤمنان علی علیه السلام بعد از شمردن صفات «متقین» آن ها را افرادی معرفی می کند که به مقام «متنا» رسیده اند؛ به همین دلیل، امام مشتاق دیدار آن ها است.

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۶۸.

۲. هود: ۹۴.

اولئک شیعتنا و أحببنا و منّا و معنا آهأشوقاً اليهم.<sup>۱</sup>  
آن‌ها شیعیان ما، دوستداران ما و از ما و همراه ما هستند. آه  
چقدر مشتاق آن‌ها هستم!

رسیدن به این صفات زیبا، جز با تبعیت از امام حاصل نمی‌شود؛  
تبعیتی که سعادت را به ارمغان می‌آورد.

امام علی علیه السلام فرمود:

أسعدُ الناسِ مَنْ عَرَفَ فَضْلَنَا، وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِنَا، وَأَخْلَصَ حُبَّنَا،  
وَعَمِلَ بِمَا إِلَيْهِ نَدَبْنَا، وَانْتَهَى عَمَّا عَنْهُ نَهَيْنَا، فَذَاكَ مِنَّا وَهُوَ فِي دَارِ  
الْمُقَامَةِ مَعَنَا.<sup>۲</sup>

خوشبخت‌ترین مردم کسی است که فضل ما را بشناسد و  
به وسیله ما به خدا نزدیک شود و در دوستی ما یک‌دل و  
مخلص باشد و به آنچه ما بدان فراخوانده‌ایم، عمل کند و از  
آنچه ما نهی کرده‌ایم، دست بردارد. چنین کسی از ماست و در  
سرای ماندگار، همراه ما خواهد بود.

در روایت دیگری راه «منّا» شدن، تمسک به اهل بیت علیهم السلام معرفی  
شده که در نهایت به تبعیت می‌رسد.

۱. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۱.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۲.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى  
مُؤَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ!

خوشا به حال شیعیان ما! آن‌ها که در غیبت قائم ما به حبلی  
ما متمسک هستند، بر دوستی و موالات ما ثابت قدم‌اند و از  
دشمنان ما برائت می‌جویند. آن‌ها از ما هستند و ما از آن‌ها.

در مسیر تبعیت، آنچه مهم است تبعیت بی‌چون و چراست، نه  
تبعیتی که دل من بپسندد. وقتی اهل بیت علیهم السلام می‌فرمایند در  
دوران غیبت به فقیه عادل باید مراجعه نمود، این دستور را باید  
بی‌کم و کاست تبعیت کرد تا تمرینی باشد برای تبعیت از امام  
عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

اما اگر با شبهات و شایعات دشمن، ولایت فقیه را زیر سؤال بردیم  
یا برای مسائل جناحی، از ولی فقیه اطاعت نکردیم، بدانیم که  
در لحظه حساس اطاعت از ولی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مشکل خواهیم  
داشت.

## ۲. ایمان

ایمان، منشأ حرکت به سمت امور متعالی است. بدون ایمان،  
زندگی، سُست و سرد می‌شود و بسنده کردن به امور حیوانی در

رأس اولویت‌های انسان قرار می‌گیرد. ایمان تعهد می‌آورد و انسان را به دنبال وظایفش در برابر خدا و ولیّ او می‌کشاند. در زمان پیامبر، اعراب افتخارکنان نزد حضرت آمدند و مدعی ایمان شدند؛ در حالی که هنوز ایمان در قلب‌هایشان داخل نشده بود.

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»<sup>۱</sup>

بادیه‌نشینان گفتند ما ایمان آوردیم. بگو شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان داخل در قلب‌هایتان نشده است.

همین بی‌ایمانی موجب شد اهل بیت علیهم‌السلام پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با کمترین یار، نهضت را ادامه دهند؛ زیرا فقط مؤمنان واقعی دغدغه یاری ولیّ خدا را دارند.

«وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا... وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنِ طَرَدْتُمْ»<sup>۲</sup>

من مؤمنان را از خودم دور نمی‌کنم... ای قوم من، اگر من مؤمنان را طرد کنم، چه کسی مرا یاری خواهد کرد.

۱. حجرات: ۱۴.

۲. هود: ۳۰.

این کلام حضرت نوح علیه السلام است که به یاری مؤمنان، دل خوش کرده است؛ مؤمنانی که مال و جایگاهی ندارند، اما ایمان دارند؛ ایمانی که آن‌ها را به سمت ولی خدا به حرکت درآورده است.

البته ایمان درجاتی دارد. مؤمنی که با درجه شش امام را یاری می‌کند، بسیار فرق دارد با مؤمنی که با درجه پنج امام را یاری می‌کند. باید همیشه دغدغه ارتقای ایمان داشته باشیم تا در مسیر یاری نیز بهره بیشتری نصیبمان شود.

امام به اندازه ایمان افراد، آن‌ها را در مسیر یاری قرار می‌دهد و توفیق یاری نصیبشان می‌کند.

## راه تقویت ایمان

در مرحله اول، باید ادله قوی برای اثبات آنچه می‌خواهیم به آن ایمان داشته باشیم، بیابیم و شبهاتی را که درباره آن مطرح شده، رفع کنیم تا از حیث عقلی و ذهنی به آرامش برسیم. مرحله بعدی که اهمیت بسیاری دارد، این است که آنچه را دانستیم، به باور قلبی و دل‌مان را به آرامش برسانیم.

وقتی ایمان آمد، وظیفه داریم با اعمالی آن را تقویت کنیم؛ زیرا بعضی از کارها ایمان ما را ضعیف می‌کند و در نهایت از بین می‌برد. پس عزیزان، به کتب عقاید مراجعه کنید و شناخت خود را از خداوند، پیامبر، امام و معاد عمق ببخشید.

اما در راه تقویت ایمان چه کنیم؟ به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) احترام به حس تقدس‌گرایی

در وجود مؤمن، حس تقدس‌گرایی وجود دارد. این حس به شدت باید تقویت شود تا ایمان را ارتقا دهد. دشمن با تمام ظرفیت خود، حرکتی خزننده را در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی برای تخریب این حس آغاز کرده است تا کودکان ما در بازی‌های رایانه‌ای سردر مساجد را به راحتی ویران کنند یا چشمشان به صحنه‌های عریان عادت کند. زیر سؤال بردن خدا، دین و امام از دیگر اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای است. ایجاد شبهه به راحتی می‌تواند حس تقدس‌گرایی را ضعیف سازد؛ زیرا اکثر مردم به دنبال جواب شبهه نمی‌روند تا با جواب‌های عقلی و نقلی، شبهه را از سر بیرون کنند. پس شبهه در ذهن می‌ماند و روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود و در نهایت ضربه خود را به ایمان فرد وارد می‌سازد.

قرآن قداست دارد؛ پس باید مورد احترام شدید قرار گیرد. این احترام به صورت نام‌محسوس ایمان را ارتقا می‌دهد.

نام اهل بیت علیهم‌السلام قداست دارد. با احترام به نام چهارده معصوم و انبیا علیهم‌السلام، حس تقدس را در خود تقویت می‌کنیم و از مواهبش برخوردار می‌شویم.

نام امام را با لقب و احترام ببریم و هنگام نوشتن، به جای (ع)، علیه‌السلام بگذاریم و....

سادات، پدر و مادر، نان، ریش سفید، تربت امام حسین علیه‌السلام و... همه قداست دارند و احترامشان واجب است. ترویج جوک‌هایی که حس تقدس را تخریب می‌کند هم از طرف دشمن است و با برنامه‌ریزی و هدفمند در اختیار بچه شیعه‌ها قرار می‌گیرد.



آیت‌الله خزعلی از شاگردان امام خمینی رحمته‌الله بودند. ایشان تعریف می‌کردند به شهری برای سخنرانی رفتیم. اتاقی در اختیار من قرار دادند تا استراحت کنم. هنگامی که روی تخت خوابیدم، متوجه عکس امام شدم که به دیوار چسبیده و پای من مقابل عکس امام، دراز شده است. با خود گفتم این آقا، هم استاد من بوده و هم از فرزندان حضرت زهرا علیها‌السلام است. بهتر است روی زمین بخوابم تا پایم مقابل ایشان دراز نشود... همان شب، امام را در خواب دیدم که به من راه چگونگی توسل را یاد دادند. دیدم دست‌هایشان را به سمت آسمان گرفته‌اند و می‌گویند: الهی به حق فاطمه علیها‌السلام ....

### ب) اصلاح ظاهر

هیچ شکی نیست که ظاهر بر باطن اثر گذار است. اگر ظاهر ما به شکل افرادی شد که خدا و دین را قبول ندارند، آرام آرام این ظاهر، ایمان ما را تضعیف خواهد کرد.

قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ<sup>۱</sup>

کم اتفاق می‌افتد کسی شبیه به قومی شود و از آنان نشود.

نمی‌شود ظاهر، موردپسند خدا نباشد و حرف از ایمان به خدا و

دل پاک زد.

اصلاح ظاهر بسیار مهم است؛ زیرا بسیار نرم و بی صدا ایمان را تخریب می‌کند.

تذکر این نکته لازم است که دین اسلام طرفدار زیبایی و شیک پوشیدن است، اما نباید در این امور به دنبال تقلید از غرب یا گروه‌های منحرف رفت.

### ج، حلال خوری

مال حرام، ایمان را می‌سوزاند و مال شبهه‌ناک اگر جبران نشود، ایمان را ضعیف می‌کند و رفته‌رفته از بین می‌برد.

وقتی ایمان از بین رفت، انسان درمقابل امام می‌ایستد و برای اینکه سخنان امام را نشنود، هلله می‌کشد.

مُلِئْتُ بِطَوْنُكُم مِّنَ الْحَرَامِ.

شکم‌هایتان از حرام پر شده است.

بی‌ایمانی، چه بلایی بر سر انسان می‌آورد که درمقابل کلام شیوای امام، موضع منفی می‌گیرد و سوت و کف می‌زند تا آن کلام دل‌نشین را نشنود.

### د) دوست داشتن و محبت به خانواده

ایمان قوی، اخلاق را اصلاح می‌کند. رفتار خوب به خصوص با همسر، نشانه ایمان قوی است. رفتار شایسته با اهل و عیال،

موجب تقویت ایمان است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي.<sup>۱</sup>

بهترین شما، بهترینتان برای خانواده‌اش است و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم.

أَكْمَلُكُمْ إِيمَانًا أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا.<sup>۲</sup>

کامل‌ترین شما از حیث ایمان، نیکوخلق‌ترین شماست.

ه) خیر رساندن به دیگران به خصوص پدر و مادر

اهل خیر، اهل ایمان هستند. ظهور و بروز ایمان، انجام کار خیر در خانه و اجتماع است. خیر مؤمن به همه، حتی حیوانات هم می‌رسد. انسان‌ها از دست مؤمن در امان و به خیر او امیدوارند. در این میان، پدر و مادر سهم بسزایی دارند و خیر مؤمن بیشتر از همه به پدر و مادرش می‌رسد. او همیشه در فکر خوش حال کردن والدین و رفع نیازهای آن‌هاست.

و) سازش و مدارا با مردم، به خصوص همسایگان

مدارا یکی دیگر از نشانه‌های ایمان قوی است. با مردم به‌ویژه با همسایه باید به سازش و مدارا رفتار کرد تا ایمان در قلب قوت گیرد و عمیق شود.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۷.

## ز) مطالعه و تفکر درباره بحث معاد

برای این بحث، کتاب معاد از آیت الله دستغیب پیشنهاد می شود.

## ح) تلاوت قرآن

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾

تلاوت قرآن در ازدیاد ایمان، بسیار مؤثر است. انس با قرآن، تزریق ایمان را به قلب به دنبال دارد.

## ط) توجه به داده‌ها و عنایت‌های خداوند متعال

تفکر درباره نعمت‌های خدا، محبت خداوند را درون ما بیدار می‌کند و به سمت تقویت ایمان می‌کشاند.

کتاب توحید مفضل در این زمینه پیشنهاد می‌شود.

## ۳. صداقت

از شروط یاری امام، می‌توان به عنصر مهم صداقت اشاره کرد. بدون صداقت، راه به این بارگاه نداریم که در آستان اهل بیت علیهم‌السلام صداقت و راستی موج می‌زند.

مهاجران مکه که از همه اموال خویشان گذشتند و برای یاری رسول الله دست به هجرت زدند، در قرآن کریم به وصف صداقت تحسین شده‌اند.

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ... وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ

## الصَّادِقُونَ<sup>۱</sup>

مهاجرین فقیری کسانی که ... و یاری کردند خدا و رسول را، آنان راست‌گویان هستند.

چرا دروغ، ما را از امام و یاری او دور نکند، در حالی که گناهی کبیره است که از شرب خمر هم نزد خداوند متعال سنگین‌تر است؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: «الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ»<sup>۲</sup> دروغ، بدتر از شراب است.

### ۴. شناخت امام

شناخت مقام و جایگاه کسی که می‌خواهیم او را یاری کنیم، بسیار مهم است؛ مهم‌تر از آن، شناخت اهدافی است که با یاری امام، زمینه رسیدن به آن اهداف حاصل می‌شود.

بدون این شرط، پای ما در مسیر یاری امام و رسیدن به ظهور و در صعود به قله عبودیت، لنگ خواهد بود.

امامی که خدا نیست، ولی انسانی خدایی است. صفات خدا را داراست. چشم خداست؛ پس همیشه ناظر است. گوش خداست؛ پس همیشه می‌شنود، حتی نجوای ما را. دست خداست؛ پس کارها به دست او و به واسطه او انجام می‌گیرد.

امامی که وارث آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام است.

۱. حشر: ۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۳.

امامی که هرچه معصومان علیهم السلام داشته‌اند، از کمالات و صفات عالی، همه به او به ارث رسیده است.

امامی که دعوت نبوی، صولت حیدری، عصمت فاطمی، حلم حسنی، شجاعت حسینی، عبادت سجادی، مفاخر باقری، آثار صادقی، علوم کاظمی، حجت‌های رضوی، جود تقوی، هدایت نقوی و هیبت عسکری علیهم السلام همه نزد اوست.

امامی که «بِیْمِنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»<sup>۱</sup> است. در بحث شناخت امام بیش از این باید گفت، اما چون غرض کتاب بیشتر ارائه راهکارهای یاری امام است، به اجمال اکتفا و به چند مورد از شاخصه‌های شناخت امام اشاره می‌کنیم.

امام را بشناس

یعنی بدان او امام است از طرف خداوند؛ پس باید به او اقتدا کرد تا خداوند راضی شود. «امامٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>.

یعنی بدان او واسطه فیض بین خلق و خالق است و اگر نباشد، زمین اهلش را فرومی‌بلعد. «لَوْلَا الْإِمَامُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»<sup>۳</sup>.

یعنی بدان او عالم است به گذشته، حال و آینده، به آسمان‌ها و به زمین. علمش از خداست و بر همه مخلوقات احاطه دارد، و

---

۱. «به برکت او دیگران روزی می‌خورند و به خاطر وجودش آسمان و زمین پابرجاست» (دعای عدیله).

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۴.

اوست همو که «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>۱</sup> است.

یعنی بدان او چشم خداست در میان مردم، حجابی بین او و مردم نیست. همه را می بیند و کلام همه را می شنود. او مصداق همان مؤمنی است که می بیند.

«فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»<sup>۲</sup>

عمل شما را خدا، رسول و مؤمنان می بینند.

یعنی بدان او ولایت تکوینی و تشریحی دارد.

در کون و مکان به اذن الله تصرف می کند. برایش شفای مریض و بینا کردن نابینا کاری ندارد. مُلک عظیم خداوند در دست اوست، که فرمود: «وَأَتَيْنَاهُم مُّلْكًا عَظِيمًا»<sup>۳</sup>؛ یعنی بدان این ها را، ولی در دانسته ها توقف نکن، بلکه این معارف را به باور برسان تا با قلبت امام را بشناسی و این باور قلبی تو را به یاد مداوم او برساند و به محبت و عشقش؛ که عاشق در مسیر یاری معشوق، سر از پا نمی شناسد.

پس برای شناخت، قدم اول مطالعه است.<sup>۴</sup>

۱. رعد: ۴۳.

۲. توبه: ۱۰۵.

۳. نساء: ۵۴.

۴. مطالعه این کتاب ها پیشنهاد می شود: نگین آفرینش (جمعی از نویسندگان)، ضرورت طرح معارف مهدویت (استاد شاکری)، یگانه دهر (نگارنده)، آفتاب مهر (جمعی از نویسندگان)، تالب چشمه (گزیده سه منبع

قدم دوم تفکر و تأمل.

قدم سوم تهذیب و تزکیه نفس که معارف بر قلب پاک و تزکیه شده می‌نشیند.

### ۵. ورع و تقوا

تا پاک نشویم، توفیق خدمت جانانه به پاکان نصیبمان نمی‌شود.

أَعِيْنُوْنِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ  
مرا با ورع و دوری از گناه یاری کنید.

این کلامِ مردی مظلوم است که در عالم پیچیده: «مرا یاری کنید»، منتها قدم اول این است که خودتان پاک شوید. چشمتان، گوشتان و زبانتان آلوده نباشد. چشمی که می‌خواهد خرج امام شود باید اهل معصیت و نگاه حرام نباشد و....

اگر درون ما ناپاک شد، قلب ما به سمت یاری امام اشتیاق نشان نخواهد داد و این توفیق بزرگ به واسطه معصیت، سلب می‌شود و محرومیت از بزرگ‌ترین موهبت الهی گریبانمان را می‌گیرد و زمین‌گیرمان خواهد کرد.

---

معتبر مهدوی)، مکیال المکارم (آیت‌الله موسوی اصفهانی)، قافله سالار (استاد اباذری)، تو می‌آیی (آیت‌الله علی صفایی)، دادگستر جهان (آیت‌الله امینی)، تاریخ عصر غیبت (استاد پورسید آقایی) و....



از امام رضا علیه السلام پرسیدند: چرا حواریون، حواریون نامیده شدند؟ فرمود: به این دلیل که آن‌ها درون خود و دیگران را با پند و اندرز، از آلودگی گناهان پاک و تمیز می‌کردند.<sup>۱</sup>

دعوت به ورع و تقوا، قدم اول است که اگر این شرط را حاصل کردیم و نشان دادیم از عهده نفس خویش و هواهای نفسانی خود برمی‌آییم، امور دیگر برای یاری امام، بر ما مکشوف و راه باز و توفیق یاری گسترده‌تری نصیبان می‌شود.

### ۶. دین‌یار شدن

امام صادق علیه السلام چهارهزار شاگرد داشتند که درس دین را در محضر امام می‌آموختند، اما از این تعداد بیست نفر یار امام نبودند.

دین‌داری اگر به مرحله «دین‌یاری» نرسد، امام، تنها، غریب و بی‌کس می‌ماند. دین‌دار خودش به بهشت می‌رود، اما توانایی ندارد کسی را همراه خود به بهشت ببرد؛ اما دین‌یار دست هزاران نفر را می‌گیرد و با خود به بهشت می‌برد.

اثرگذاران در تاریخ، دین‌یاران بوده‌اند، نه دین‌داران. دین‌دار نمی‌تواند محور باشد یا موجی ایجاد کند، اما دین‌یار با شجاعت و مدیریت، محور بسیاری از امور خیر قرار می‌گیرد. انسان دین‌یار، جریان‌ساز است. جوّ محیط را با خودش همراه می‌کند، نه اینکه جوّزده و هم‌رنگ جماعت بشود.

۱. علل الشرایع، باب ۷۲، ص ۱۰۱، ح ۱.

بهره بردن از امام، به مقدار یارانی بوده است که اطراف او پروانه وار طواف می کردند؛ وگرنه، امیرمؤمنان علیه السلام در آن ۲۵ سال خانه نشینی با امیرمؤمنان پنج سال حکومت هیچ فرقی نداشتند.

انسان های منتظر، دین یار هستند. آن ها دغدغه شان تلاش برای برپایی دین در جهان است.

برای عبور از دین داری به دین یاری مقدماتی لازم است:

الف) گذشتن از خود

سوار بر اسب، قصد عبور از رودخانه داشت، اما هرچه تلاش می کرد، اسب حرکت نمی کرد. باغبانی بیل به دست که از آن حوالی رد می شد، متوجه مشکل شد. با بیلش آب را گل آلود کرد. اسب حرکت را آغاز نمود.

گفت: چه کردی؟ باغبان گفت: آب را گل آلود کردم که خودش را در آب نبیند. تا خودش را می دید، حاضر نبود روی خودش پا بگذارد و حرکت کند.

خودبینی مانع حرکت است. انسان های خودبین خیرشان به دیگران نمی رسد. غرق در منافع خود و گرفتار خودخواهی های دنیا هستند. برای دین یاری باید از خود گذشت؛ نام من و نان من نباید مطرح باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اول دین یار عالم بودند. در صلح حدیبیه، کفار بهانه آوردند که ما کلمه «رسول الله» را قبول نداریم، باید پاک شود. پیامبر عظیم الشان به راحتی نام خودش را

پاک کردند و حرکتی عظیم در گسترش اسلام آغاز شد.  
 اگر جایی برای نام و شهرت خود ناراحت شدیم، بدانیم در  
 دین یاری لنگ هستیم. حضرت ابراهیم علیه السلام زن و بچه اش را در  
 سخت ترین شرایط، در بیابانی بی گیاه جای داد تا اقامه نماز کنند  
 و خودش تعلقی را که مانع دین یاری است، نداشته باشد.

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ لِيُقِيمُوا  
 الصلاة...»<sup>۱</sup>

پروردگارا، من خانواده ام را در وادی بی گیاه و خشک جای  
 دادم... تا نماز را اقامه کنند.

خطاب به موسی علیه السلام «فاخلع نعلیک» می آید که کنایه از تعلقات  
 است؛ یعنی اگر بچه من، همسر من، مال من... را دیدی، هنوز  
 درگیر خودت هستی و به درد من نمی خوری.  
 امام حسین علیه السلام خود و اهل بیت شریفش را فدا کرد تا بندگان خدا  
 دین را فراموش نکنند.

وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ.<sup>۲</sup>

جان خود را در راه تو فدا کرد تا بندگان را از جهالت نجات  
 دهد.

۱. ابراهیم: ۳۷.

۲. زیارت اربعین.

اما کسانی که اسیر خود بودند، با اینکه برای یاری امام نامه هم نوشته بودند، توفیق نصیبشان نشد؛ زیرا مانع بزرگی به نام خودشیفتگی و خودبینی، خودنمایی می‌کرد.

امام حسین علیه السلام در آغاز قیام خود فرمود: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوْطِنًا عَلٰی لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا؛ آن که خون خود را (که تمام وجودش است) برای ما بذل می‌کند و خود را برای دیدار با خدا آرام کرده است، با ما کوچ کند».

شرط همراهی با امام برای یاری او، گذر از خودبینی است. نفسی که تمام فتنه‌ها از اوست، بزرگ‌ترین مانع دین‌یاری می‌شود و جلوی حرکت را می‌گیرد.

### ب) هجرت

دین‌یاران، اهل هجرت هستند. آن‌ها در مکان و زمان محدود نمی‌شوند. برای رسیدن به هدفشان که یاری امام و دین است، کوچ می‌کنند و تمام سختی‌ها را به جان می‌خرند.

هجرت نبی مکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، در یاری دین سهم بسزایی داشت. هجرت امیرمؤمنان علی علیه السلام از مدینه به کوفه، هجرت امام حسین علیه السلام از مکه به کربلا که منشأ حیات دین شد. هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس، نهال تشیع را در ایران بارور کرد و برکات بی‌شماری به دنبال داشت.

برای رسیدن به یاری امام، باید به درجه عظیم رسید و هجرت، نه تنها ما را به درجه عظیم، بلکه به فوز اکبر می‌رساند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ  
دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾<sup>۱</sup>

کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند، نزد خدا بالاترین درجه را دارند و آنان رستگاران اند.

بدون هجرت، عبور از مرحله دین‌داری به دین‌یاری امکان‌پذیر نیست، اما هجرتی که از ما انتظار دارند، هجرت از سیئات به حسنات است. باید از بدی‌ها هجرت کنیم و به سمت خوبی‌ها گام برداریم.

امام علی علیه السلام فرمودند: «أَمَّا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجِرُونَ السَّيِّئَاتِ وَ لَمْ يَأْتُوا بِهَا؛<sup>۲</sup> همانا مهاجران واقعی کسانی هستند که از گناهان هجرت می‌کنند و مرتکب آن نمی‌شوند».

این هجرت راه را برای یاری امام و دین‌یاری باز، و همچنین، زمینه رشد و صلاح ما را فراهم می‌کند.

البته اگر محیط زندگی مان فاسد است یا زمینه فساد را ایجاد می‌کند، لازم است از نظر مکانی نیز هجرت کنیم که برکات

۱. توبه: ۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۹۹.

بسیاری به دنبال خواهد داشت.

### ج) دین حداکثری

سومین مقدمه عبور از دین‌داری به دین‌یاری، داشتن دین حداکثری است.

دین حداقلی، هنرش این است که انسان را به بهشت برساند.

کسانی که دنبال حاکمیت دین‌داران در تمام هستی هستند، نباید از آموزه‌های فراوان دینی روی‌گردان باشند. دین، برنامه سعادت است و بهره بردن از حداقل فرامین، دین ما را در مرحله دین‌داری نگه می‌دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول دین‌یار بوده‌اند که نماز شب بر ایشان واجب بوده است. بدون انرژی گرفتن، نمی‌توان با قدرت و قوت در این راه حرکت کرد.

انجام مستحبات و ترک مکروهات، قوت مؤمن را افزون می‌کند و او را در مسیر عبور قرار می‌دهد. توجه خاص به نماز واجب و نمازهای مستحبی، تأثیر بسزایی در این مرحله دارد. سجده‌های طولانی نیز که سفارش نبی مکرم صلی الله علیه و آله بوده است، نقشی پررنگ برای دریافت نورالهی ایفا می‌کند. برای خیر رساندن و دستگیری باید بتوانیم مسیر را در جلوی چشم دیگران روشن کنیم که لازمه آن، داشتن نوری قوی در قلبمان است.

عمل به مستحبات و دوری از مکروهات، به شرط دوری از عُجب و کبر و غرور، سفارش اهل علم و رفتگان طریق سعادت است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نماز شب به مقام شفاعت رسیدند. به ما نیز گفته‌اند که با زیارت عاشورا به مقام شفاعت می‌رسید.

أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

در روایت داریم زائر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اهل شفاعت است.

#### د) خدامحوری

زندگی براساس خدامحوری، ظرفیت انسان را افزایش می‌دهد و به مسیر یاری دین می‌رساند. حرکت بر اساس رضایت و دغدغه امام نیز در همین راستاست.

انسان ولایت‌مدار، امام را در تمام شئون زندگی خود حاضر می‌بیند، خواسته‌های امام را برخواسته‌های خود مقدم می‌دارد و غایت و هدف زندگی‌اش را امام قرار می‌دهد.

ولایت یعنی حضور امام در تمام عرصه‌های زندگی؛ حال چه این عرصه‌ها فردی باشد، چه اجتماعی.

کسانی که در فکریاری امامشان هستند، امام را در متن زندگی خود می‌بینند، نه در حاشیه آن. از این رو، تمام حرکات و سکنات خود را با امام تنظیم می‌کنند و با مدار رضایت امام قدم برمی‌دارند.

لازمه خدامحوری و به دنبال دغدغه امام بودن، توجه به همه ابعاد دین است. اگر بخواهیم محور تمام امورمان خدا باشد، باید

اندیشه‌مان خدایی شود. برای رسیدن به اندیشه خدایی، چاره‌ای جز توجه به ابعاد مختلف دین نداریم.

توجه به سه حیطة عقاید، اخلاق و احکام، اندیشه ما را به سمتی می‌برد که محور امورمان خداوند متعال خواهد شد.

شایسته است در هر یک از این زمینه‌ها مطالعه کنیم یا اینکه خدمت استادى برسیم و عقاید و اخلاق و احکام را از اهل فن درس بگیریم.

## ۷. عاشورایی شدن

يَا دُعْبُلُ إِزْثِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا  
دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَن نَّصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ<sup>۱</sup>

ای دعبل، برای حسین علیه السلام مرثیه بگو. تو تا زنده‌ای، یاور و ستایشگر مایی؛ پس تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن.

مرثیه خواندن و اشک ریختن بر سرور و سالار شهیدان، انسان را از رذایل و گناهان پاک می‌کند و با امام و مرام او سنخیت ایجاد و توفیق یاری را نصیب می‌نماید.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶۷.



در روز عاشورا برای امام حسین علیه السلام مجلس عزا برپا سازید و بر مصایب آن حضرت اشک بریزید و یکدیگر را تعزیت دهید و بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ اجْوَرَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ  
بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
خداوند به جهت سوگواری، به ما اجر و پاداش بزرگی عطا کند و  
ما و شما را از خون خواهان او با ولی اش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف  
از آل محمد علیهم السلام قرار دهد.

کسی که مجلس عزای سیدالشهداء را اقامه نماید و اهل مرثیه شود، شرط رسیدن به یاری امام را به دست آورده است. لازم است برنامه‌ای همیشگی برای خواندن مرثیه و همچنین زیارت عاشورا داشته باشیم تا از این قافله عقب نمانیم؛ زیرا ندای «هل من ناصر ینصرنی» ابا عبدالله علیه السلام هنوز به گوش می‌رسد و در این زمان لبیک به این ندا، رفتن به سمت یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

فقد اجابك قلبی و سمعی و بصری<sup>۱</sup>

اگرچه نبودم تا اجابت کنم وقتی طلب کمک می کردی و زبانم  
شمارا پاسخ نداد وقتی طلب یاری می نمودی، پس الان با قلب  
و گوش و چشمم اجابت می کنم.

یعنی هرطور می توانی باید اجابت کنی و ندای «هل من ناصر  
ینصرنی» را با جان و دل خریدار باشی که الان حسین زمان به دنبال  
توست تا به اجابت، قدمی برای یاری اش برداری؛ که ثمره این  
اجابت، احیا و زنده شدن روح ماست.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا  
يُحْيِيكُمْ»<sup>۲</sup>

ای مؤمنان، اجابت کنید خدا و رسول را هنگامی که شما را  
می خوانند برای اینکه زنده تان سازند.

ثمره این اجابت، زندگی پرنشاط و زیباست؛ همان که ما را از مرگ  
جاهلیت هم دور می سازد.

و در صورت اجابت، اجر عظیم شامل حال ما می شود.

۱. زیارت امام حسین علیه السلام در اول ماه رجب.

۲. انفال: ۲۴.

«الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup>

کسانی که اجابت کردند خدا و رسول را بعد از اینکه زخم به بدن هایشان اصابت کرد، کسانی که نیکوکاری و پرهیزکاری نمودند، پاداش عظیمی دارند.

این آیه به خوبی اجابت‌کنندگان را مشخص نموده است:

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا»

کسانی که نیکوکاری کردند و اهل تقوا هستند، خدا و رسول را اجابت می‌نمایند.

از آثار دیگر این اجابت، بخشش گناهان و در پناه امام قرار گرفتن است.

«يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُخْرِجَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»<sup>۲</sup>

ای قوم، اجابت کنید داعی الله را و ایمان بیاورید به او. گناهانتان بخشیده می‌شود و شمارا از عذابی دردناک پناه می‌دهد.

۱. آل عمران: ۱۷۲.

۲. احقاف: ۳۱.

و در زیارت آل یس به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ با لقب داعی الله سلام می دهیم: «السلام عليك يا داعي الله».

اجابت ندای «هل من ناصر ينصرني» امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز عاشورا، امروز در قرن بیست و یکم با لبیک به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ محقق می شود. یکی از شرایط این لبیک و یاری امام، ارتباط عمیق با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. این ارتباط، دروازه های شهر پاکی را برای شخص باز می کند و این پاکی و تزکیه نفس، او را به یاری امام می رساند. سنخیت با یاری شونده در امر یاری او، بسیار مورد اهمیت است. یاری شونده همان کسی است که صبح و شام برای جد غریبش حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ مرثیه می خواند و اشک می ریزد.

لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَأُبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا!

صبح و شام برای شما ناله می کنم و به جای اشک بر شما خون می گریهم.

ما با گریه بر شهید نینوا، خود را با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ همراه می بینیم و سنخیت بین ما و امام ایجاد می شود.

## ۸. تسلیم امام بودن

یکی از خصوصیات کسی که بخواهد دین خدا را یاری کند، تسلیم محض بودن است.

حضرت ابراهیم علیه السلام که برای اعتلای کلمه الله و ترویج دین خداوند متعال از هیچ کوششی دریغ نکرد، تسلیم محض خدا بود.

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>

هنگامی که خداوند به ابراهیم علیه السلام فرمود تسلیم شو، ابراهیم علیه السلام گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم.

یاری حضرت ابوالفضل علیه السلام برای امامش، زبانزد عام و خاص است. در زیارت ایشان که از امام معصوم رسیده است، می خوانیم:

أَشْهَدُكَ بِالتَّسْلِيمِ<sup>۲</sup>

شهادت می دهم شما تسلیم امام خود بودی.

کسی که می خواهد توفیق یاری نصیبش شده، مورد عنایت خاص امام قرار گیرد، چاره ای جز تسلیم بودن ندارد. عبدالله بن ابی یعفر خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرضه داشت:

ای پسر رسول خدا، اگر شما اناری را به دو قسمت تقسیم کنید و نیم آن را حلال و قسمت دیگر را حرام شمارید، من نیز نیم اول را حلال و نیم دیگر را حرام خواهم دانست.

۱. بقره: ۱۳۱.

۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۱۸؛ مهر محبوب، ص ۱۰۶.

امام صادق علیه السلام از شدت تسلیم این شیعه به وجد آمد و او را تحسین نمود و برایش دعا کرد.<sup>۱</sup>

تسلیم همان فروتنی است. وقتی کسی را همه جوره قبول داریم، در برابرش سر تعظیم فرود می آوریم. ما در برابر علم یک پروفیسور یا علامه تسلیم هستیم و در برابر او کمال ادب و احترام و تواضع را به جا می آوریم و هرچه بگوید، تسلیم می شویم. حال در مقابل امامی که علمش الهی است چگونه تسلیم نباشیم؟

زید شحام می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی هست به نام «کَلِيب» که هر حدیثی یا حکمی از جانب شما بیاید، او می گوید: من تسلیمتم؛ لذا ما او را «کَلِيبِ تسلیم» نام گذاشته ایم. امام صادق علیه السلام برای او طلب رحمت نمودند و فرمودند: «می دانید تسلیم چیست؟ تسلیم همان اِخْبَاتِ فروتنی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است».

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾<sup>۲</sup>

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند و در برابر پروردگارشان فروتنی می کنند.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۹۸.

۲. هود: ۲۳.

در زمان غیبت، تسلیم امر امام بودن، بسیار ضروری است؛ چنان‌که در دعای عصر غیبت می‌خوانیم.

فَصَبِّرْ نِي عَلٰی ذٰلِكَ حَتّٰى لَا اُحِبُّ تَعْجِيْلَ مَا اٰخِرَتْ وَلَا تَاْخِيْرَ مَا  
عَجَلْتَ!۱

خدایا، در این امر مرا آن‌چنان صابر و شکیب‌گردان که تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداخته‌ای، دوست نداشته باشم و نیز تأخیر آنچه را تو در آن تعجیل نموده‌ای، نخواهم.

افرادی هستند که به دنبال دیدار حضرت، اعمالی انجام می‌دهند، اما پس از مدت‌زمانی ناامید می‌شوند و از حضرت، گله می‌کنند؛ در حالی که این عزیزان باید بدانند از مقام تسلیم به‌دورند. عاشق، تسلیم معشوق است. اگر معشوق فراق می‌پسندد، من هم عاشق فراقم و اگر وصال می‌طلبد، من هم دنبال وصالم.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان درد و وصل هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

در بحث تسلیم، اطاعت از نواب عام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز محک بسیار خوبی است. وقتی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند به راویان احادیث و فقها مراجعه کنید که آن‌ها بر شما حجت هستند، ما

۱. مفاتیح الجنان، دعای عصر غیبت.

نیز باید تسلیم این امر و تسلیم احکامی باشیم که آن بزرگواران استخراج کرده‌اند، نه اینکه درمقابل مراجع تقلید برای خودمان نظری قایل باشیم یا با کراهت، نظر آنان را قبول کنیم.

یا در بحث ولیّ فقیه که امری عقلی و بسیار واضح است، انتقادهای بی پایه و اساس وارد کنیم و خود را تسلیم دیدگاه‌هایش که برگرفته از فقه است، ندانیم. هر عقلی حکم می‌کند وقتی معلم غایب است، باید یک نفر در مسند او بنشیند تا کلاس تعطیل نشود. از همین رو فرمودند رجوع کنید به کسانی که با مطالعات عمیق از قرآن و روایات می‌توانند نظر ما را استخراج نمایند. کیست که قدرت شیعه را در صورت پیروی از فقیه عادل انکار کند؟ چه ضربه‌ای بر پیکره شیعه وارد می‌کنند کسانی که با دشمن برای تخریب این جایگاه الهی همسو شده‌اند.

از ضربه‌ای که ولیّ فقیه در حکم تحریم توتون و تنباکو به انگلستان وارد کرد تا شکستی که امام خمینی علیه السلام در جایگاه ولایت فقیه به استکبار جهانی تحمیل نمود، تا الان که مثل لاشخور، مملکت شیعه را دوره کرده‌اند و به برکت خون شهدا و ولایت فقیه، کاری از پیش نمی‌برند، همه و همه باعث شده که دشمن تمام تلاش خویش را برای ضربه زدن به این جایگاه عظیم مبذول دارد و چه زیان‌کارند کسانی که به اسم مسلمانی، راه دشمن را دنبال می‌کنند.

نقل است وقتی با فتوای میرزای شیرازی و تبعیت همگانی شیعیان از ایشان، انگلستان شکست خورد، میرزای شیرازی به شدت گریه



می‌کرد و می‌فرمود: با این قضیه دشمن فهمید که ضربه را به کجا باید وارد کند و از قدرت فقیه شیعه باخبر شد.

به خود بیاییم و بابت چند شایعه در فضای مجازی یا حقیقی، ولی فقیه را تنها نگذاریم و تسلیم بودن را تمرین کنیم تا در محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شرمنده نباشیم.

### ۹. انس با امام

اختصاص زمانی برای نجوا و گفت‌وگو با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمینه انس حداکثری با امام را فراهم می‌کند و رفاقت با حضرت حاصل می‌شود.

از لوازم رفاقت، یاری کردن رفیق و برطرف کردن حاجات اوست. از نظر روحی و روانی و ایجاد نشاط و سرزندگی هم، انس با امام آثار بسیار زیادی دارد.

آیت الله کشمیری سفارش می‌کردند:

روزی یک ساعت با حضرت خلوت کنید. در جای خلوت، زیارت آل یس بخوانید. زیاد بگویید «المستغاث بک یا بن الحسن»، «یا صاحب الزمان ادرکنی، یا صاحب الزمان اغثنی».  
توسل به او پیدا کنید تا رفاقت با حضرت زیاد شود.

اگر روزی سه چهار دقیقه هم این خلوت برای ما پیش بیاید، آثار عمیقی در آینده خواهد گذاشت و دریچه‌های جدیدی

برای انجام اموری که موجب زمینه‌سازی ظهور می‌شود، جلوی چشمانمان باز خواهد شد.

### آثار یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آثار بسیار مثبتی در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد. به چند اثر اشاره می‌کنیم.

#### ۱. نصرت خداوند

کسانی که در مسیر یاری امام و زمینه‌سازی ظهور قدم برمی‌دارند، نصرت الهی شامل حالشان می‌شود و از امدادهای الهی نیز بی‌نصیب نمی‌مانند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾<sup>۱</sup>

ای مؤمنان، اگر خداوند را یاری کنید، او شما را یاری خواهد کرد.

یاری خداوند به معنای یاری دین اوست؛ زیرا خداوند، غنی مطلق است و نیازمند یاری کسی نیست. مقصود از یاری دین خدا، یاری متولی امر دین است که این امر به امام واگذار شده است. در جای دیگر می‌فرماید:

﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾<sup>۱</sup>

خداوند یاری می‌کند هرکس که او را یاری کرده.

حال اگر ما به یاری امام شتافتیم و دین را حمایت کردیم، خداوند با تمام لشکریانش - که ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup> - است ما را یاری می‌نماید و یاری خداوند، قدرت و نیرویی به ما عنایت می‌کند که دیگر هیچ‌کس بر ما غالب و چیره نخواهد شد.

﴿إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾<sup>۳</sup>

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ‌کس بر شما غالب و چیره نمی‌شود.

## ۲. ثبات قدم

هرکس در هر مرحله‌ای از ایمان و در هر سن و سال، گاه گرفتار وسوسه‌های شیطانی می‌گردد. بحث حفظ دین و ایمان، همیشه یکی از دغدغه‌های اصلی انسان‌های متدین بوده است؛ به خصوص در آخرالزمان که فتنه‌ها از درودیوار هجوم می‌آورد و تهدیدهای بیشتری سراغ انسان می‌آید. یکی از مهم‌ترین راهکارها

۱. حج: ۴.

۲. فتح: ۴.

۳. آل عمران: ۱۶۰.

برای حفظ دین و ثبات قدم، یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾<sup>۱</sup>

اگر خدا را یاری کنید، یاری تان می‌کند و ثبات قدم ارزانی تان می‌دارد.

یاری خدا به یاری امام حاصل می‌شود و این یاری، ثبات قدم را نصیب انسان می‌کند؛ ثبات قدمی که هم در طول راه زندگی، و هم در لحظه کوچ کردن از این دنیای فانی به آن نیازمندیم. در تاریخ، یاران اهل بیت علیهم السلام که دغدغه یاری امامان را داشتند، همگی عاقبت به خیر شده، به زیبایی از این دنیا رحلت کرده‌اند.

### ۳. در امان ماندن از حسرت روز قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحسره» است؛ به این دلیل که اکثر مردم در آن روز حسرت می‌خورند و از اعمال خویش پشیمان می‌شوند.

﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنَّ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ﴾<sup>۲</sup>

مبادا کسی روز قیامت بگوید: افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در حق خدا کردم! و همانا من از مسخره‌کنندگان بودم.

۱. محمد: ۷.

۲. زمر: ۵۶.

حسرت به معنای غم خوردن برای چیزی است که وقتش گذشته و دیگر جای جبران نیست.

اما مراد از «جنب الله» چیست؟

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «انا جنب الله الذی یقول: یا حَسْرَتی عَلٰی مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> من همان جنب الله هستم که درباره اش می گوید: یا حسرتا...».

اما صادق علیه السلام، امامان را مصداق «جنب الله» معرفی می نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «نحن جنب الله؛<sup>۲</sup> ما جنب الله هستیم.»

اگر اهمال کردیم و از یاری و حمایت امام معصوم که مصداق «جنب الله» است، کوتاهی نمودیم، روز قیامت حسرتی خواهیم خورد که سوز و آتش اهل محشر را به تعجب وامی دارد.

البته این حسرت در دنیا نیز گریبان ما را خواهد گرفت؛ چنان که در زمان امیرمؤمنان علیه السلام مردم در حمایت و یاری امامشان کوتاهی کردند و تاریخ گواهی می دهد که چگونه به خاک مذلت نشستند. یا در جریان کربلا، مردم کوفه جنب الله را تنها گذاشته، اهمال کاری کردند و امام حسین علیه السلام را در بیابانی خوفناک، همراه خانواده رها کردند و دنبال زندگی خویش رفتند؛ هرچند بعد هم پشیمان شدند

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۹۴.

۲. همان، ص ۴۹۶.

## و حسرت خوردند، اما چه سود؟

طرماح، بلدچی بود. با کاروان امام حسین علیه السلام راه افتاد تا راه‌ها را نشان دهد. در میان راه به سمت امام حسین علیه السلام آمد و گفت: من می‌دانم شما حق هستید و باید شما را یاری کنم. به همین دلیل، این آذوقه‌ای را که برای اهل و عیالم خریده‌ام، به آن‌ها می‌رسانم و بعد به شما ملحق می‌شوم.

رفت و پس از چند روز به سمت کربلا برگشت که خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید. اندوهگین شد و بسیار حسرت خورد و گریست، اما دیگر فایده‌ای نداشت.<sup>۱</sup>

آری، آن‌که «جنب‌الله» را رها کند و سراغ زن و قبیله خویش برود، این محرومیت سزای اوست.

در زمان غیبت امام عصر علیه السلام هم اگر از «جنب‌الله» غافل شویم، حسرتی خواهیم خورد که دیگر برگشتی ندارد. هنگامی که زمان ظهور فرارسد و ما به جرم کم‌کاری در زمان غیبت، توفیق یک خدمت کوچک به امام را نداشته باشیم، حسرتی دوچندان خواهیم خورد، زیرا به دلیل یاری نکردن امام، توفیق در رکاب امام بودن را از دست داده‌ایم.

۱. اللباب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۱۶۰.

#### ۴. رسیدن به فلاح

در لغت نامه دهخدا کلمه فلاح را به رستگاری، باقی ماندن در خیر و نیکویی، فوز و نجات معنا کرده‌اند. قرآن مجید پاداش کسانی که ولیّ خدا را یاری نمایند، فلاح قرار داده است.

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ  
أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

پس کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی‌اش داشتند و یاری‌اش کردند و تبعیت کردند، نوری را که با او فرستادیم. آنان رستگاران هستند.

یاری ولیّ خدا و ایمان به او، راه سعادت را برای انسان باز می‌کند و افق دید انسان را وسعت می‌بخشد و بقای در خیر را که بقیه‌الله است، برای او به ارمغان می‌آورد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر «آمَنُوا بِهِ» فرمودند: «آمَنُوا بِالْإِمَامِ» و در تفسیر «النور» فرمودند: «مراد از نور، امیرمؤمنان علیه السلام و امامان هستند.»

#### ۵. توجه خاص حضرت بقیه‌الله علیه السلام

با مطالعه احوال کسانی که در طول تاریخ، اهل بیت علیهم السلام را یاری

کرده‌اند، متوجه می‌شویم که آن‌ها مورد توجه و عنایت خاص امام قرار می‌گرفتند.

امام صادق علیه السلام هشام را گرامی داشتند و فرمودند: «او یاری‌کننده ماست».

یا توجه خاص امیرمؤمنان علی علیه السلام به مالک اشتر که فدایی امامش بود و در نهایت نیز به مقام شهادت رسید.

تعریف و تمجیدها از میثم تمارها، عبدالعظیم حسنی‌ها، زُراره‌ها و... همه، این ملاک را به ما گوشزد می‌کند که اگر در مسیر یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قدم‌های محکمی برداریم و از جان و دل مایه بگذاریم، مورد توجه خاص حضرتش قرار خواهیم گرفت. ان شاء الله!

### شیوه‌های یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از بیان اهمیت، ضرورت و شرایط یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در این گفتار تلاش کرده‌ایم به بیان شیوه‌های یاری حضرت و ارائه راهکار بپردازیم. ان شاء الله با عمل به این راهکارها، نام خود را در فهرست یاوران واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ثبت نماییم.

#### ۱. فراهم کردن زمینه برای آشنایی دیگران با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شناخت امام، مهم است، اما شناساندن مهم‌تر است. اگر جامعه ما به شناخت واقعی امام دست یابد، قدمی بزرگ در راه ظهور برداشته شده است. اینکه ما تمام تلاشمان در راه شناخت درست امام به دیگران را صرف کنیم، یکی از بهترین نصرت‌ها را در راه ترویج فرهنگ مهدویت داشته‌ایم.



اگر جوانان ما به شناخت درستی از حضرت دست بیابند و به واسطه آن شناخت، به آن وجود نازنین علاقه مند شوند، خود در مسیر بسترسازی ظهور قرار خواهند گرفت.

قدم اول در راه شناخت، انتقال معارف مهدویت به صورت زیبا و جذاب است. به چند راهکار برای انتقال معارف نورانی اشاره می‌کنیم.

### الف) ترویج فرهنگ مطالعه مهدوی

متأسفانه سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است. کشوری که داعیه‌دار زمینه‌سازی برای ظهور و رساندن پرچم به دست صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، شایسته است جوانانی پرمطالعه و اهل تفکر داشته باشد. در این راستا، متولیان امور نشر و نویسندگی نیز باید در جذاب‌سازی معارف و مطالب مهدوی دغدغه‌ای دوچندان داشته باشند تا تمامی اقشار جامعه به سمت کتاب‌های جذاب مهدوی کشانده شوند.

همچنین تخفیف بالا یا اهدای کتاب‌های مهدوی نیز در این راستا، بسیار مناسب به نظر می‌رسد.

### ب) برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی با موضوع مهدویت

یاری‌کنندگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آشنایی عموم مردم با معارف مهدوی می‌توانند با انتخاب کتابی زیبا، جذاب و متقن، مسابقه‌ای بزرگ برگزار کنند، البته لازم است با تبلیغات وسیع و ایجاد انگیزه بالا در بحث جوایز، اقدامی صورت گیرد که تمام

خانواده‌ها مشتاق شرکت در این امر مهم باشند. انتخاب کتاب‌هایی در مقاطع مختلف سنی و درگیر کردن دانش‌آموزان، راه را هموار می‌کند و ما را به هدف نزدیک‌تر می‌سازد. تهیه بروشور جذاب و کوتاه با موضوعات مختلف مهدوی و نشر آن میان اقشار مختلف جامعه نیز مؤثر است.

### ج) برگزاری دوره‌های جذاب مهدوی

هیچ‌کس از حرف خوب و خوب حرف زدن فراری نیست. برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مهدوی، به همراه برنامه‌های شاد و متنوع دیگر، مردم عزیز را به سمت معارف مهدوی می‌کشاند.<sup>۱</sup>

### د) دعوت از سخنران جذاب در عرصه مهدوی

اولیای مساجد و مدیران مدارس و ادارات می‌توانند برنامه‌ای ماهانه در راستای ترویج این فرهنگ اختصاص دهند. اگر مخاطبان ما مطلع باشند در این بیست دقیقه که در محضر این سخنران هستند، حرف‌های درست و زیبایی درباره حضرت حجت‌العلی خواهند شنید، ترغیب می‌شوند و پیگیر این معارف خواهند بود. حتی والدین هم می‌توانند ماهی یک‌بار از عزیزی که در زمینه مهدویت سررشته دارد، دعوت کنند و جلسه‌ای خانگی به همراه عزیزان دل‌بندشان تشکیل دهند.

---

۱. برای اطلاع از سازوکار برگزاری این دوره‌ها می‌توانید با شعب بنیاد مهدی موعود رضی الله تعالی عندهم در مرکز استان خود تماس بگیرید.

### ه) گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره

اثر تبلیغ و گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره، به مراتب از سخنرانی‌های عمومی بیشتر است. یاوران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف از هر موقعیتی برای شناساندن امامشان به دیگران و انتقال این معارف ناب استفاده کرده، در تاکسی، صف نانوايي، مترو، اماکن عمومی و... با جملات سنجیده و حساب‌شده و گاه تلنگری، می‌توانند جرقه خوبی برای این مباحث روشن کنند.

سوار تاکسی شدم. کنارم جوانی جزوه به دست نشسته بود. سلام کردم. با تعجب نگاه کرد و جواب سلامم را داد. تاکسی راه افتاد. گفتم: می‌توانم سؤالی از شما بپرسم؟ اول فکر کرد نشانی جایی را می‌خواهم. با روی خوش گفت: بله. گفتم: آخرین بار که به یاد امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف افتادی کی بود؟ جا خورده بود، اصلاً فکرش را هم نمی‌کرد من این سؤال را بپرسم...

گفتم: شما ظاهراً دانشجو هستی. گفت: بله. گفتم: تا حالا کتابی درباره حضرت خوانده‌ای؟ گفت: بله. چندتایی خواندم. گفتم: چقدر خوب. اسم کتاب‌ها یادتان هست؟ گفت: نه، خیلی وقت پیش بود، یادم نیست.

به ایستگاه نزدیک شده بودیم. کتابی را از کیفم درآوردم و گفتم: خوش حال می‌شم این هدیه را از من قبول کنید. کتاب خوبی است، من خوانده‌ام. خیلی جذاب است. خواستم بگذارم در کتابخانه که با خودم گفتم: من که این کتاب را خواندم، حالا بگذار یک نفر دیگر هم با این معارف آشنا شود. خدمت شما.

تشکر کرد، من هم از او تشکر کردم که وقتش را در اختیار من قرار داد.

اخلاق خوب، لبخند، ابتدا سلام کردن و... شرایط را برای این گفت‌وگوها فراهم می‌سازد.

دعوت به مجلس روضه و هیئت هم در این راستا، از اثرگذاری بالایی برخوردار است.

همچنین جذب افرادی که به اصطلاح خاکستری هستند و خیلی دغدغه دین و دیانت ندارند، بسیار مطلوب امام عصر علیه السلام است. اینکه کسی را در حیطه مؤمنان وارد کنیم و حشر و نشرش را به این سو سوق دهیم، در مسیر یاری، بسیار پسندیده است.

بارها می‌دیدم ابراهیم با بچه‌هایی که نه ظاهر مذهبی داشتند و نه به دنبال مسائل دینی بودند، رفیق می‌شد. آن‌ها را جذب ورزش می‌کرد و به مرور به مسجد و هیئت می‌کشاند.

یکی از آن‌ها خیلی از بقیه بدتر بود. همیشه از خوردن مشروب و کارهای خلافش می‌گفت! اصلاً چیزی از دین نمی‌دانست.

نه نماز و نه روزه، به هیچ چیز هم اهمیت نمی‌داد. حتی می‌گفت: تا حالا هیچ جلسه مذهبی یا هیئت نرفته‌ام. به ابراهیم گفتم: آقا ابرام، اینا کی هستن دنبال خودت می‌آری؟! با تعجب پرسید: چطور، چی شده؟!

گفتم: دیشب این پسر دنبال شما وارد هیئت شد. بعد هم آمد

و کنار من نشست. حاج آقا داشت صحبت می کرد. از مظلومیت امام حسین علیه السلام و کارهای یزید می گفت.

این پسر هم خیره خیره و با عصبانیت گوش می کرد. وقتی چراغها خاموش شد. به جای اینکه اشک بریزه، مرتب فحش های ناجور به یزید می داد!

ابراهیم داشت با تعجب گوش می کرد. یک دفعه زد زیر خنده. بعد هم گفت: عیبی نداره، این پسر تا حالا هیئت نرفته و گریه نکرده. مطمئن باش با امام حسین علیه السلام که رفیق بشه، تغییر می کنه. ما هم اگر این بچه ها رو مذهبی کنیم، هنر کردیم.

دوستی ابراهیم با این پسر به جایی رسید که همه کارهای اشتباهش را کنار گذاشت. او یکی از بچه های خوب ورزشکار شد. چند ماه بعد و در یکی از روزهای عید، همان پسر را دیدم. بعد از ورزش یک جعبه شیرینی خرید و پخش کرد.

بعد گفت: رفقا، من مدیون همه شما هستم. من مدیون آقا ابرام هستم. از خدا خیلی ممنونم. من اگر با شما آشنا نشده بودم، معلوم نبود الان کجا بودم و....

ما هم با تعجب نگاهش می کردیم. با بچه ها آمدیم بیرون. توی راه به کارهای ابراهیم دقت می کردم. چقدر زیبا یکی یکی بچه ها را جذب ورزش می کرد، بعد هم آن ها را به مسجد و هیئت می کشاند و به قول خودش می انداخت تو دامن امام حسین علیه السلام. یاد حدیث پیامبر به امیر مؤمنان علیه السلام افتادم که فرمودند: یا علی، اگر یک نفر به واسطه تو هدایت شود، از آنچه آفتاب بر آن می تابد، بالاتر است.

## و) تأسیس مهدکودک و مدرسه با گرایش مهدوی

تأسیس مراکز آموزشی با این رویکرد، یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین کارها برای یاری حضرت است. البته بنا نیست این مدارس و مهدها، تمام وقت کلاس‌هایی با این موضوع برگزار کنند، بلکه برنامه همان برنامه آموزشی نظام آموزش و پرورش است؛ با این تفاوت که کادر مدرسه همه نیروهای دغدغه‌مند مسائل دینی و مهدوی و عامل به اوامر دین و متخلق به اخلاق اسلامی و مهدوی هستند. با این شرایط، دانش‌آموزان با دیدن این اشخاص، زمینه دریافت معارف مهدوی را در سطوح بالاتر به دست خواهند آورد.

در مهدها و مدارس ابتدایی با شیوه‌های گوناگون باید مهربانی امام، زیبایی‌های ظهور و... آموزش داده شود. بازی، شادی و تنوع در این مدارس، پرنگ‌تر از مدارس دیگر است.<sup>۱</sup>

مدارس مقطع بالاتر با عنوان «افسران موعود» نیز می‌تواند مورد توجه عزیزان فرهنگی دغدغه‌مند قرار بگیرد.

## ۲. ترویج نام و یاد امام

یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب ترک گناه و آماده شدن فرد برای اتصال روحی با امام شده، او را در مسیر امام قرار می‌دهد. دست تربیت حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سر کسانی کشیده می‌شود که به یاد او هستند و برای ترویج نام و یادش تلاش می‌کنند.

---

۱. برای اطلاعات بیشتر و کار کارشناسی، با مرکز تخصصی مهدویت واحد کودک و نوجوان تماس حاصل فرمایید.

فراگیری نام و یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوی و برزن و شهر و روستا، ذهن‌ها را آماده زیباترین اتفاق در جهان می‌کند و یکی از مصادیق یاری آن بزرگوار است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «اللهم لاتنسنا ذکرة و انتظاره؛ خدایا، یاد و انتظارش را از خاطر ما مبرا!»

روشن است که بدون یاد امام، به انتظار که افضل اعمال است نخواهیم رسید. و بدون انتظار به ظهور راهی نخواهیم داشت. از این رو، زمینه‌سازی برای ظهور و یاری حضرت، با ترویج نام و یاد آن بزرگوار گره خورده است.

برای ترویج نام و یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به راهکارهایی اشاره می‌کنیم تا مهدی‌یاوران عزیز، موارد بیشتر را با تفکر و مشورت به دست آورند.

۱) پخش دعای عهد و زیارت آل یس در اماکن عمومی (مدرسه، اداره، حتی خانه) در اوقات خاص؛

۲) مقید بودن ائمه جماعات، جمعه و خودمان به خواندن دعای «اللهم کن لولیک» در قنوت نمازها (حداقل نماز عصر)؛

۳) برگزاری سخنرانی‌های عمومی با موضوع مهدویت؛

۴) ساخت کلیپ‌های مهدوی و نشر آن در فضای مجازی (لازم است برای رده‌های سنی خاص، کلیپ‌های متفاوت و جذاب تهیه شود)؛

۵) استفاده از زبان سینما برای معرفی نام حضرت در فضای بین‌الملل (ما وظیفه داریم منجی واقعی را به بشریت معرفی کنیم. حال چه با ابزار فیلم و انیمیشن یا ابزارهای دیگر. برای مثال، اگر روی پیراهن تیم ملی ما در رشته‌های مختلف ورزشی، به جای تبلیغ فلان بانک و فلان بیمه، جمله Who is Mahdi? نقش ببندد، آیا جرقه‌ای در دل آن‌هایی که در جست‌وجوی حقیقت هستند، روشن نمی‌شود؟)

۶) تهیه و ساخت صوت و پادکست با موضوع مهدوی و نشر آن‌ها به صورت سی‌دی بین اقشار مردم، به‌ویژه رانندگان عزیز، برای پوشش دادن جمعیتی فراوان (حرف‌های زیبا، داستان‌های کوتاه و مطالب ناب را از چند سخنران خوش‌بیان در موضوع مهدویت انتخاب کنیم و به شکل سی‌دی در اختیار عموم مردم قرار دهیم)؛

۷) ساخت سایت یا وبلاگ مهدوی با درج مطالب متقن (با دغدغه ظهور، وارد فضای مجازی شویم، محکم و مستند به همراه جذابیت بالا. در این فضا تلاش کنیم. کوتاهی قشر دغدغه‌مند جامعه در فضای مجازی، باعث شده مخالفان دین بیشتر فضاها را به اشغال درآورند؛ ازمین‌رو، باید با فراگیری آموزش‌های خاص، به سراغ این فضا برویم تا این محیط را به نفع امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به تسخیر درآوریم و از این امکانات استفاده بهینه نماییم. حتی برگزاری مسابقات وبلاگ‌نویسی با موضوع مهدویت و ایجاد رقابت در نسل نو، می‌تواند ما را در این امر خیر یاری رساند)؛

۸) نصب تابلویی مزین به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دیوار منزل،



اداره و مدرسه، به همراه نوشتن احادیثی کوتاه در زمینه مهدویت (در فضای شهری نیز شهرداری محترم یا گروه‌های فرهنگی می‌توانند با استفاده از نمادهای شهری یا بیلборدها، احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را درباره امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف به صورت بسیار زیبا و نمایان نوشته، در معرض دید عموم بگذارند. همچنین تهیه آویزهای بسیار زیبا و با رنگی شاد، مزین به نام حضرت برای ماشین‌ها نیز می‌تواند برای لحظاتی به ترویج این موضوع کمک کند).

### ۳. تشکیل کارگروه مهدوی

دغدغه‌مندان مسئله یاری حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف برای رسیدن به ایده‌های نو و ابتکار راهکارهای جدید، لازم است به تشکیل گروهی اقدام نموده، در آن به تبادل نظر بنشینند و به دنبال طرح‌های مهدوی و نحوه اجرای آن در سطح کشور باشند. همچنین شناسایی بسترهای فعالیت، به‌کارگیری نیروهای نخبه و دل‌سوز، جذب بودجه‌هایی که به هر نحو به این موضوع مربوط می‌شود و....

پنج نفر بودیم، دور هم نشستیم و قرار گذاشتیم از جان و دل برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کار کنیم.

اول کار، طرح خاصی به ذهنمان نمی‌آمد، اما رفته رفته فضای ذهنمان در مسیر مطلوبی قرار گرفت و طرح‌هایی به ذهنمان رسید که با اجرای آن، از بازخوردهای مثبتش بسیار خوش حال و در ادامه راه مصمم‌تر شدیم. برای مثال، پارک شلوغی در نزدیکی محله‌مان بود. قرار شد یک کار مهدوی در پارک برای کودکان و نوجوانان اجرا کنیم:

- کشیدن نقاشی با الگوهای مهدوی؛
- رنگ‌آمیزی نقاشی‌های مهدوی؛
- ساخت کاردستی برای نوجوانان با الگوگیری از طرح‌های مهدوی؛
- مهیا کردن فضایی صمیمی برای نوشتن دل‌نوشته‌های مهدوی؛
- دعوت از کارشناس برای ارائه بحث و پاسخ به شبهات درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- فراهم کردن زمینه برای مطالعه یک دقیقه‌ای درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- برگزاری مسابقه طناب‌کشی و مشاعره برای ایجاد نشاط و....

کارگروه با عضوگیری می‌تواند دیگران را هم به چالش کشد و دغدغه کارهای مهدوی را به آن‌ها نیز انتقال دهد.

ارتباط‌گیری با افراد مؤثر در شهر و روستا یا حتی مسئولان شهری برای خط‌دهی و اجرای امور مهدوی در سطح شهر نیز می‌تواند مؤثر باشد؛ اجرای جشن‌های نیمه شعبان و نهم ربیع در سطح شهر، با استفاده از امکانات شهری و هماهنگی با معاونت فرهنگی شهرداری و....

#### ۴. تحصیل علوم ناب برای ترویج مهدویت

امام جواد علیه السلام فرمود:

عالمی که یتیمان آل محمد علیهم السلام را پرستاری کند، یعنی کسانی را که از امام خود دور افتاده‌اند و حیران مانده‌اند و در دست شیطان اسیر شده‌اند، از حیرت نجات دهد و وسوسه‌های شیطان را از آن‌ها دور کند و دشمنان آن‌ها را با دلیل و برهان مغلوب نماید، فضیلت این نوع از عالمان بر عابدان، بیشتر از فضیلت آسمان و عرش بر زمین است.

اگر به برکت عالمانی نبود که در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام مردم را به سوی آن حضرت دعوت می‌کنند و با دلایل محکم، شبهات ملحدان را دفع می‌نمایند و ضعیفان را از دام شیطان نجات می‌دهند، هرآینه تمام مردم گمراه می‌شدند.<sup>۱</sup>

علمای راستین که به خوبی معارف ناب دینی، به‌ویژه معارف مهدویت را تحصیل کرده‌اند، به خوبی می‌توانند مسیر هدایت

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۴۴، ح ۲۲۴.

را به روی دیگران باز کنند و این کار، بهترین راه برای یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

الآن اگر روحانی‌ای با اخلاص و با سواد بالا به سمت جوانان برود و آن‌ها را به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - نه به خود - دعوت کند و با معارف ناب، عطش جوانان را فروکش نماید، بهترین یاری را برای امام انجام داده است.

اگر نوجوانان عزیز برای یاری حضرت، به سمت دروس دینی و کسب معارف مهدوی حرکت کرده، عزم خود را جزم نمایند که هیچ دغدغه‌ای جز یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مسیر نداشته باشند، علاوه بر یاری حضرت، به خیر دنیا و آخرت هم خواهند رسید.

بگذریم از اینکه دشمنان اسلام از این لباس و روحانیان واقعی و دل‌سوز چه هراسی دارند و تمام تلاش خود را برای تخریب آن‌ها به کار می‌برد.

طلبگی یعنی وقف جوانی و زندگی در مسیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی فدای امام شدن و ثانیه‌های زندگی خود را در این مسیر نورانی خرج کردن.

طلاب عزیز باید علاوه بر دروس صرف و نحو و فقه و... به مطالعه مباحث مهدویت بپردازند و خود را به سلاح استدلال در دفاع از امام، مسلح کنند.

جامعه شیعی تشنه انسان‌های با استعداد و پرتلاشی است که با

تلاش علمی و عملی خود، به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لبیک گویند و بدون هیچ ترسی با توکل به خداوند متعال در این مسیر شیرین و پرهیجان قدم بردارند و لباس سربازی حضرت صاحب الامر علیه السلام را به تن کنند که چقدر جامعه ما تشنه بهشتی‌ها، مطهری‌ها، مفتوح‌ها و... است.

از والدین گرامی هم درخواست می‌کنیم بانگاهی توحیدی بنگرند و رزق و روزی فرزندان را بهانه ممانعت آن عزیزان برای ورود به این عرصه نکنند که خداوند جبار، جبران‌کننده همه نقص‌ها و کاستی‌هاست.

در نهایت به طلاب عزیز و دغدغه‌مند این مسیر برای دستیابی به معارف ناب مهدوی، مطالعه سودمند و هدفمند را در زمینه مهدویت سفارش می‌کنیم و سیر مطالعاتی مهدویت را عرضه می‌داریم.

این نکته را لازم است تذکر دهیم که چه بسا افرادی در غیر لباس روحانیت، بیشتر از خیلی‌ها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خدمت کرده‌اند و می‌کنند. حرف ما این است که در این محیط شرایط یاری و خدمت فراهم‌تر است؛ وگرنه یاری حضرت، به لباس و رنگ و لهجه و... نیست. کسانی نیز که شرایط ورود در این عرصه را ندارند، می‌توانند با مطالعه عمیق و هدفمند و یادگیری شیوه‌های انتقال معارف مهدویت، گوی سبقت را از بقیه برابیند؛ که جامعه شیعی ما تشنه افرادی همچون چمران‌ها، آوینی‌ها، احمدی‌روشن‌ها و تهرانی‌مقدم‌هاست.

## ۵. صرف هزینه برای امور مهدوی

فدک را غصب کردند تا بازوی اقتصادی امام جامعه را از کار بیندازند. یکی از مصادیق یاری امام، یاری اقتصادی و کمک مالی است. هر مؤمن منتظر باید بخشی از دارایی خود را برای امام زمانش هدیه کند و بر این کار مداومت بورزد. در این عمل شریف، فقیر و ثروتمند یکسان هستند؛ با این تفاوت که ثروتمند تکلیف بیشتری برعهده دارد.

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «هرکس یک درهم در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خرج کند، فضیلت آن یک درهم از دویست میلیون درهم در کار خیر دیگر بیشتر است»<sup>۱</sup>.

در راه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید تمام دارایی و جان خود را نثار کنیم. حال که این رخصت را به ما داده‌اند، از اختصاص مبلغی برای امور مهدوی دریغ نورزیم که این، خسران عظیمی خواهد بود. از طرح‌های جذاب مهدوی، حمایت مالی کنیم. کتاب‌های مهدوی را خریداری و در مدارس، ایستگاه‌های اتوبوس، مترو و... اهدا کنیم.

حتی عقیقه کردن برای سلامتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و رساندن گوشت آن به دست فقرا، می‌تواند راه خوبی برای یاری حضرتش باشد.

ابراهیم یکی از یاران امام عسکری علیه السلام می گوید مولایم امام حسن عسکری علیه السلام برای من نامه ای به همراه چهار رأس قوچ فرستاد. در نامه نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحیم، این چهار قوچ را برای فرزندم مهدی عقیقه کن....<sup>۱</sup>

یکی دیگر از بهترین راهکارها برای یاری اقتصادی درزمینه مهدویت، ترویج وقف مهدوی است. وقف یعنی «حبس مال» در جهتی که واقف در نظر دارد و شارع هم آن را تأیید کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «خدا رحمت کند بنده ای که خود را وقف ما کند».<sup>۲</sup>

رحمت خداوند تمام زندگی افرادی را که در مسیر امام قرار می گیرند، فراگرفته، بهترین ها بر ایشان رقم می خورد. هرچند کمی سخت است تمام وجود خویش را وقف امام کنیم، اما می شود از ۲۴ ساعت، یک ساعت را وقف حضرت کرد و برای یاری ایشان تلاش کرد.

در وقف مالی هم شاید ما به تنهایی قادر نباشیم حرکت قابل توجهی در این زمینه صورت دهیم، اما می توانیم به کمک دیگران بنای وقفی ماندگار را برای امور مهدوی بگذاریم.

موقوفاتی که در جهان اسلام و به خصوص ایران عزیز موجود

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

است، بیشتر در چند موضوع محدود خلاصه می‌شوند. هرچند در دهه‌های اخیر، شاهد وقف‌های متنوع‌تری بوده‌ایم؛ مانند وقف برای انرژی هسته‌ای، یا سلول‌های بنیادی و... و این خود نوید خوبی است که به‌روز شدن وقف به مهدویت هم سرایت کند.

اکنون در مسائل دینی، مهدویت و ظهور به‌روزترین موضوع است. از طرفی وقف مهدویت، وقف همه خوبی‌هاست. وقف برای ترویج فرهنگ ظهور، زمینه را برای رسیدن به همه خیرات و خوبی‌ها فراهم می‌سازد.

در زمینه عاشورا و امام حسین علیه السلام وقف‌های بسیار زیادی را شاهدیم که بسیار هم مناسب است، اما مگر نباید عاشورا به ظهور برسد و مگر پیام عاشورا، مبارزه با ظلم نیست که امام عصر علیه السلام داعیه‌دار این حرکت است. پس بیاییم برای پیام عاشورا هم وقف کنیم که این وقف، خوش حالی و رضایت امام حسین علیه السلام را نیز در پی دارد؛ زیرا وقف مهدوی، وقفی جامع است که تمام وقف‌های دیگر را پوشش می‌دهد. وقف مهدوی هم قرآن و هم اهل بیت را دربرمی‌گیرد و هم نزدیک‌تر شدن به اهداف قرآن و اهل بیت علیهم السلام است.

وقف، صدقه جاریه‌ای است که باعث مفتوح ماندن پرونده واقف تا روز قیامت می‌شود و اگر این وقف، در راستای رسیدن به ظهور باشد که موجب شادی قلب اهل بیت علیهم السلام است، بی‌تردید اثر بیشتر و ماندگارتری در پرونده ما خواهد داشت.

یکی دیگر از راه‌هایی که به یاری حضرت می‌انجامد، تولید ثروت



و ایجاد اشتغال است. یهودیان ثروت عمده دنیا را در دست دارند و به راحتی به اهدافشان رسیده و به نوعی سیطره خود را بر دیگران اثبات کرده‌اند.

به هر حال، وجود بازوی اقتصادی نیز در راه قدم برداشتن برای دین و امام ضرورت دارد.

در این راستا، آیت الله بهجت فرمودند:

رؤسا و مبلغان مذاهب باطله برای کسانی که داخل دین و مذهب باطل آنان می‌شوند، پول صرف می‌کنند، ولی ما می‌گوییم: داخل شدن در دین حق، پول صرف کردن نمی‌خواهد؛ در حالی که صرف کردن پول برای اینکه افراد ضعیف‌النفس و الایمان و الاعتقاد از دین خارج نشوند و گرگ‌ها آن‌ها را پاره نکنند، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

پس شیعه منتظر باید در راه تولید و خودکفایی و وابسته نبودن به غرب، تلاش وافر داشته باشد و بتواند به راحتی ده‌ها خانواده را پوشش دهد و از آن‌ها حمایت کند.

قدرت و ثروت باید در دستان کسانی قرار گیرد که دغدغه‌مند دین‌داری مردم و در فکریاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه‌سازی ظهور هستند.

## ۶. دعا و استغاثه جمعی

اولین کار برای رسیدن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواستن است. تا نخواهیم، اتفاقی رخ نخواهد داد. دعا همان خواستن است که به زبان آمده است. حال اگر این خواستن عمیق‌تر و جدی‌تر شود، حالت دعا به استغاثه و ضجه نزدیک‌تر شده می‌شود و این خواستن به مرحله اجابت می‌رسد.

وقتی تشنه می‌شویم، دنبال آب راه می‌افتیم و درخواست آب در وجودمان پدید می‌آید. باید تشنه امام شویم تا وجودمان از درخواست امام پر شود. اگر به انسان تشنه آب نرسد، تشنگی‌اش بیشتر می‌شود و درخواست‌ها نیز به استغاثه تبدیل می‌گردد. اینکه چه کنیم تشنه امام شویم، از بحث ما خارج است، اما دعا را نباید دست‌کم گرفت.

دعا، یاری لسانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که فرمود: «وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ! بسیار برای فرج، دعا کنید».

این دعا باعث ثبات قدم در مسیر مهدویت و در مرحله بعد، توفیق یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود.

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ اَهْلِكَ اِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ  
عَلَى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. کمال الدین، باب ۳۸، ح ۱.

به خدا سوگند! مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن گونه نهان خواهد گشت که هیچ کس در زمان غیبت او از گمراهی و هلاکت نجات نخواهد یافت، مگر آنان که خدای عزوجل بر اعتقاد به امامت آن حضرت پایدارشان دارد و در دعا برای تعجیل فرج موفقشان فرماید.

البته همان طور که اشاره شد، این دعا باید به مرحله استغاثه برسد و از طرفی طبق روایات دعای دسته جمعی به اجابت نزدیک تر است تا دعای فردی.

تأکید بر استغاثه به این دلیل است که استغاثه، گام‌های انسان را در مسیر یاری، استوارتر می‌کند و بدون شک ما را به مقام یاری امام می‌رساند.

امام باقر علیه السلام فرمود: «وإن أصبَحْتُم يوماً لا ترون منهم أحداً فاستغِيثُوا بالله عزوجل... فما أسرع ما ياتيكم الفرج! اگر روزی صبح کردید و امامی از آل محمد علیهم السلام را در میان خود ندیدید، به درگاه خداوند متعال استغاثه کنید... پس چه زود باشد که فرج و گشایش به شما رخ نماید».

کلمه «استغِيثُوا» به صیغه جمع آمده است و این اهمیت جمعیت را در استغاثه نشان می‌دهد.

جدی گرفتن جلسات استغاثه در محافل عمومی که با ناله و

ضجه و گریه همراه باشد، نقش بسزایی در زمینه‌سازی ظهور و یاری حضرت دارد. از این رو، وظیفه دیگر این است که از راه‌های گوناگون، دیگران را نیز به دعا و استغاثه دعوت کنیم تا توجه خاص و مهربانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل حال همگان شود.

آیت الله بهجت فرمودند:

چقدر حضرت (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) مهربان است به کسانی که اسمش را می‌برند و صدایش می‌زنند و از او استغاثه می‌کنند، از پدر و مادر هم به آن‌ها مهربان‌تر است!<sup>۱</sup>

## ۷. دعوت از دیگران

هر شیعه که نعمت وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده و شیرینی انس و ارتباط با ایشان را چشیده باشد، می‌تواند دیگران را نیز از این نعمت بهره‌مند سازد و از آن‌ها دعوت به عمل آورد تا برای بهره‌مندی از عنایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اقداماتی انجام دهند.

این کار زمینه قدرشناسی امت از امام را فراهم آورده، در غربت‌زدایی از ساحت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش بسزایی دارد و به نوعی یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می‌آید.

البته این دعوت، در مرحله اول شایسته است با عمل صورت بگیرد تا مصداق «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ؛ مردم را با غیر

زبان دعوت کنید» باشیم و اطرافیان، آثار انس و ارتباط معنوی با حضرت را در ما مشاهده کنند.

شیعه واقعی، در همه حال، زینت امام خویش است و با اعمال و رفتارش ضمن شاد کردن دل امام، دیگران را نیز مشتاق این مسیر می‌کند.

کُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا!

زینت ما باشید و مایه سرافکنندگی ما نباشید.

در این صورت، دعوت لسانی ما هم اثرگذار بوده، دیگران به خوبی به این راه جذب می‌شوند. با گفتن آثار یاد امام، آثار یاری امام و... می‌توانیم در محافل، نام و یاد حضرت را زنده کنیم و دیگران را مشتاق ایشان بنماییم.

زینت بودن برای صاحب‌الزمان عَلَيْهِ السَّلَام با جدّیت در درستکاری و پرهیز از رفتارهای زشت و زننده و گناهان حاصل می‌شود. اگر این اعمال زشت از طرف کسانی که خود را محب حضرت می‌دانند سر بزند، دل آن عزیز آزرده می‌شود و دیگران را به ایشان بی‌رغبت می‌کند.

همه ما می‌توانیم با جدّیت در تلاش و ترک گناه و خدمت به هم‌نوع، دل آن بزرگوار را شاد و امام خویش را یاری کنیم.

## ۸. تجلیل از امام در جامعه

تلاش ما برای تجلیل و بزرگداشت نام امام در جامعه، در یاری امام بسیار مؤثر است. این کار از غربت امام عزیزمان می‌کاهد و توجه دیگران را به ایشان بیشتر می‌کند.

احترام به نام ایشان، ایستادن هنگام شنیدن لقب «قائم»، فرستادن صلوات، و بزرگداشت روزهایی که به ایشان منسوب است، همه می‌توانند این تجلیل را محقق کنند.

حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا قرائتی نقل می‌کردند:

در همایشی که از آیت الله صافی گلپایگانی نیز دعوت شده بود، شرکت داشتم. آنچه برایم جالب بود، این بود که این مرجع عظیم‌القدر که در سن پیری به سر می‌بردند و با زانو درد هم دست و پنجه نرم می‌کردند، به زحمت حرکت می‌کردند....

حتی هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی ایران، به خاطر درد زانو از جا بلند نشدند، اما زمانی که در آن همایش، مجری نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آوردند، ایشان تمام قد ایستادند، در حالی که بقیه حضار نشسته بودند.

و این عمل دوبار اتفاق افتاد و ایشان بار دوم هم تمام قد، قیام کرده، به حضرت احترام گذاشتند.

هدیه دادن به نوزادانی که نام مقدس مهدی یا نرجس و ملیکا و حتی سوسن برایشان انتخاب می‌شود، سهم بسزایی در تجلیل و

بزرگداشت اسامی حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

ای کاش در هر شهری گروهی ایجاد می شد و با تبلیغ این سنت حسنه نام نیک و شناسایی این عزیزان، پلاک طلائی به نیت هدیه از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نوزاد و مادرش پیشکش می کرد که این عمل از بُعد تربیتی هم بسیار حایز اهمیت است. تأکید بر نام های نیک از طرف اهل بیت علیهم السلام و تغییر نام هایی که معنای پسندیده نداشتند از طرف نبی مکرم صلی الله علیه و آله ضرورت این کار را بیشتر نمایان می سازد.

اگر در سطح شهر توانایی نداریم، حداقل در سطح نزدیکان می توانیم این اتفاق را عملی کنیم.

## ۹. یاری شیعیان

بخش مهمی از دغدغه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به گرفتاری شیعیان مربوط می شود.

شیعیان، خانواده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می آیند. آن حضرت ایشان را مانند فرزندان خود دوست می دارد و به واسطه گرفتاری آن ها اندوهگین می شود. در آموزه های اهل بیت علیهم السلام، خوش حالی شیعیان، خوش حالی ائمه علیهم السلام دانسته شده؛ همچنین، دیدار و عیادت از شیعیان و کمک مالی به آن ها، به منزله دیدار و کمک به اهل بیت علیهم السلام شناخته می شود. بنابراین، به نیت یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود شیعیان را یاری کرد. حتی در خانه می شود به نیت خدمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به پدر و مادر یا همسر، خدمت

نمود.

عارف واصل آقای دولابی می‌فرمود:

زن در خانه به نیت خدمت به امیرمؤمنان علی علیه السلام به شوهرش خدمت کند و مرد هم به نیت خدمت به حضرت زهرا علیها السلام به همسرش خدمت کند.

اگر بدانیم که بی‌محلّی به یک شیعه، بی‌اعتنایی به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، هرگز این بی‌محلّی را مرتکب نمی‌شویم. چه زیبا می‌شود که صاحب‌خانه با مستأجر از در انصاف وارد شود و برای خدمت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حال او را رعایت کند و اجاره‌بها را بی‌حساب و کتاب افزایش ندهد.

کاسبان ما به نیت خدمت به امام، به مسلمانان رحم کرده، سودهای کلان نگیرند و به حداقل سود اکتفا کنند.

تیزهوشان مدارس به دانش‌آموزانی که قدرت هوشی بالایی ندارند، کمک علمی کنند.

همسایه به داد همسایه برسد، طلبکار به بدهکار فرصت دهد و... پزشک از بیماران فقیر حق ویزیت دریافت نکند و بیمار را با جمله «شما مهمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستید» به یاد امام بیندازد.

کارخانه‌دار به کارگران و خانواده‌های ایشان رسیدگی کند و به آن‌ها سر بزند و به نیت خوش‌حالی حضرت صاحب‌الامر علیه السلام به آنان



وام بدهد.

کسانی که از تمکن مالی برخوردارند، شماره کارت چند فقیر واقعی را بگیرند ماهیانه مبلغی به آنها هدیه دهند و پیامک «هدیه مهدوی به حساب شما واریز شد» را برای آنها بفرستند.

حمایت از کودکان کار، بچه‌های یتیم، خانم‌های سرپرست خانواده و... به شکلی که به عزت و احترامشان لطمه وارد نشود، به نیت خوش حالی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ابراز اینکه این کمک‌ها به لطف و عنایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، ما را در مسیر یاری حضرت قرار می‌دهد؛ زیرا گره‌گشایی از شیعیان، لبخند را بر لب‌های حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نشانند و چه سعادت‌مند کسانی که باعث لبخند امامشان می‌شوند.

علی بن یقظین وزیر هارون الرشید بود که با صلاح دید امام کاظم علیه السلام در این منصب ماند تا گره از کار شیعیان باز کند.

روزی به محضر امام کاظم علیه السلام رسید، اما با کمال تعجب، امام اجازه ورود به منزل را به او ندادند. علی مراجعه کرد و فردا دوباره آمد، اما این بار هم خادم امام کاظم علیه السلام از عدم اجازه امام خبر داد.

وقتی از علت جویا شد، امام پیغام دادند که ابراهیم شتربان به در خانه‌ات آمد، به او اذن ورود ندادی. اگر می‌خواهی ملاقات من نصیبت شود، باید ابراهیم را راضی کنی...

علی بن یقظین، وزیر خلیفه عباسی، به در خانه ابراهیم آمد، از

او عذرخواهی کرد، اما باز هم دلش راضی نشد. صورتش را روی زمین گذاشت و با اصرار از ابراهیم خواست تا پا روی صورتش بگذارد. آن قدر اصرار کرد و قسم داد ابراهیم برخلاف میل باطنی‌اش این کار را انجام داد.

علی بن یقطین پس از این کار به سمت خانه امام بازگشت و این بار امام را لبخند او را پذیرا شد.

ای کاش مسئولان ما هم در فکر لبخند امامشان بودند و شب و روز را در خدمت به مردم عزیزمان به سر می‌بردند.

یادی کنیم از شهید رجایی، رئیس جمهور محبوبی که برای لبخند امامش، خالصانه به مردم خدمت می‌کرد یا شهید مهدی باکری، شهرداری که خودش بیل را به دست گرفت تا خانه پیرزن را از خطر سیل نجات دهد، در حالی که هیچ‌کس او را نمی‌شناخت. بهتر است قلمم در این سطور بشکند و ننویسد که در مملکت شیعه، مسئولانی هستند که حقوق نجومی می‌گیرند و فقط به فکر خود و اطرافیانشان هستند. البته هرگز نباید وجود مسئولان مخلص و دغدغه‌مند را نادیده گرفت. هستند کسانی که به دنبال لبخند امام زمانشان، مسیر مسئولیت را طی می‌کنند؛ هرچند تعدادشان کم است، اما هستند.

۱۰. تلاش برای ایجاد شبکه مهدویت در صدا و سیما

ایجاد شبکه رادیویی و در مرحله بعد شبکه تلویزیونی با محوریت مباحث مهدویت، در آشنایی با این موضوع و ترویج آن بسیار

مؤثر است. در مظلومیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همین بس که ما شبکه سرگرمی و بازی داریم، اما شبکه‌ای نداریم که مربوط به حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، روی سخن من در مرحله اول با مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران است که زمینه را برای ایجاد شبکه‌ای با برنامه‌های جذاب، متنوع و علمی با موضوع مهدویت فراهم کنند؛ ولو با روزی چهار ساعت برنامه، کار را آغاز نمایند و زمینه را برای شبکه‌ای ماهواره‌ای برای شناساندن منجی شیعه به مردم مستضعف جهان فراهم سازند.

و در مرحله دوم شما عزیزان که باید با مطالبه‌گری، تماس‌های مکرر و درخواست‌های شبانه‌روزی، مسئولان را به ایجاد این شبکه نورانی و مهدوی تشویق کنید.

در نهایت باید تلاش خود را در رسانه‌ای شدن این معارف به اوج رساند. از شبکه ملی گرفته تا شبکه‌های ماهواره‌ای و در مرحله بعد ایجاد کانال‌های مهدوی در فضای مجازی یا حتی شبکه‌های اینترنتی.

هرکسی هر کاری در این فضا از دستش برمی‌آید نباید کوتاهی کند؛ حتی اگر شده شبکه خصوصی ایجاد نماید یا گوشه‌ای از کار را بگیرد.

## ۱۱. حمایت از اقشار ضعیف

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر از همه به محرومان و ضعیفان رسیدگی می‌کنند؛ از همین رو، کسانی که دنبال یاری کردن حضرت هستند،

باید دنبال طرح و برنامه‌ای برای حمایت از این قشر کم‌توقع و پُر امید باشند.

برای نمونه:

• پخش غذا با ذکر نام حضرت در میان کارتن‌خواب‌ها و زنده کردن امید در دل آن‌ها و اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز شما را فراموش نکرده و نمی‌کند.

• حمایت گروه‌های مهدوی از مادران بارداری که وضعیت اقتصادی خوبی ندارند؛ همچنین، تهیه بسته غذایی برای آن‌ها تا ان شاء الله نسلی قوی برای سربازی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تربیت کنند.

• حمایت مالی و معنوی از دانش‌آموزان مناطق محروم و یادآوری این نکته که با تلاش تحصیلی بالا، ان شاء الله به یاری حضرت بشتابند.

• و...

## ۱۲. ازدواج و فرزندآوری به نیت...

بدون عده و عُدّه، تشکیل لشکر عظیم مهدوی امکان‌پذیر نیست. نقشه دشمن برای ضربه زدن به جمعیت شیعه آشکار است؛ از این‌رو، کوتاهی جوان شیعی در این مسئله، پسندیده نیست که با خیالات موهوم و خرابی اوضاع اقتصادی، این امر مقدس را به تأخیر بیندازد.

ایجاد گروه‌هایی برای واسطه‌گری این امر مقدس و مهم نیز ضروری است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر فردی در ازدواج بین دو نفر اقدام کند تا

این دو را به هم برساند، خداوند در برابر هر قدمی که وی برداشته، ثواب یک سال عبادت به او می‌دهد.<sup>۱</sup>

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «هر فردی زمینه ازدواج مجردی را فراهم کند، از افرادی است که خداوند در روز قیامت به او نظر لطف می‌اندازد».<sup>۲</sup>

در همین راستا، گروه‌های فرهنگی باید برای رساندن افراد همفکر و هم‌کفو تلاش و افری صورت دهند تا با زمینه‌سازی برای ازدواج آسان و موردپسند حضرت بقیة الله فرج الله الشریف بدون هرگونه تشریفات و چشم‌وهم‌چشمی به دنبال نسلی مؤمن و صالح باشند و زمینه را برای تربیت مهدوی و آماده‌سازی افسران حضرت موعود علیه السلام فراهم کنند.

تأخیر در فرزندآوری یا اکتفا کردن به یک یا دو فرزند نیز از نقشه‌هایی است که ما را از مقام یاری امام دور می‌کند.

از والدین عزیز نیز خواهشمندیم در این مسیر وارد شوند و با آسان‌گیری در مقدمات ازدواج، جوانان را به این امر مقدس تشویق کنند.

مهریه بالا و شرط و شروط بی‌حساب گذاشتن، مورد رضایت و تأیید امام عصر فرج الله الشریف نیست و به خوبی می‌دانیم که مهریه بالا، کسی را خوشبخت نکرده است، بلکه عوامل خوشبختی را در مسائل دیگر باید دنبال نمود.

۱. جامع الاخبار.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۱.

## نکته آخر

ما بسیار گذرا به برخی از شیوه‌های یاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره داشتیم و مطمئن هستیم شما عزیزان نورانی، حتماً با صرف وقت و تفکر در مسیر یاری، به شیوه‌ها و راهکارهای دیگری نیز دست خواهید یافت؛ آن‌ها را برای ما ارسال فرمایید.<sup>۱</sup>